

نامنی اقتصادی و باروری:

مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج^۱

محمدجلال عباسی شوازی^۲

سعید خانی^۳

باروری زیر سطح جانشینی و ایده‌آل‌های فرزندآوری پایین از ویژگی‌های شایع جامعه کنونی ایران از جمله استان کردستان است. در پاسخ به این تحولات جمعیتی، در سال‌های اخیر سیاست‌های افزایش جمعیت مورد توجه قرار گرفته، و اجرای موفق این برنامه‌ها و سیاست‌ها مستلزم شناخت عمیق دلایل باروری پایین است. نظریات مختلفی رفتارهای باروری را از دیدگاه اقتصادی نگریسته، و سطح باروری پایین را ناشی از شرایط ناامن اقتصادی و واکنشی به فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی دانسته‌اند. به‌طور ویژه، طرفداران نظریه اجتناب از خطر، تأخیر در فرزندآوری را مکانیسم مدیریت رفتاری افراد با توجه به شرایط و یا انتظارات اقتصادی خویش دانسته‌اند. هدف این مقاله، بررسی تأثیر نامنی اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری زنان دارای همسر در خانوارهای شهری و روستایی سنندج است. داده‌های مطالعه حاصل پیمایشی است که در پاییز ۱۳۹۳ به‌کمک پرسشنامه ساخت‌یافته از ۵۳۴ خانوار نمونه جمع‌آوری گردید. یافته‌های مطالعه حاکی از تأثیر معنی‌دار نامنی اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری پایین زنان است. طبق نتایج چندمتغیره، با وجود نقش تعدیل‌کننده متغیرهای تحصیلات، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و سن زنان، تأثیر

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده دوم می‌باشد که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور به انجام رسیده است. از پیشنهادات اصلاحی داوران محترم مقاله سپاسگزاری می‌شود.

۲. استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق در مؤسسه سیاست‌های عمومی دانشگاه ملی استرالیا، mabbasi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، saeedkhani@ut.ac.ir

معنی‌دار نامی اقتصادی بر باروری همچنان پایدار بوده است. نتیجه سیاستی مقاله این است که در تدوین و اعمال سیاست‌های تسهیل‌فرزنداوری توجه به ویژگی‌های اقتصادی زوجین در سنین باروری ضروری است. واژگان کلیدی: رفتار باروری، تعداد فرزند ایده‌آل، نامی اقتصادی، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی، سندج

مقدمه

در حال حاضر، باروری در اکثر نقاط ایران از جمله در استان کردستان، پایین‌تر از حد جانشینی است و ایده‌آل‌های فرزنداوری پایین نیز در جامعه شایع است. روند کاهش باروری ایران از نیمه دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۷۰ که به سریع‌ترین گذار باروری در دنیا تعبیر شده (عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی^۱، ۲۰۰۹ الف)، موضوع محوری مطالعات گوناگونی بوده است. در این مطالعات، تحولات چشمگیر باروری به عوامل ساختاری و نوسازی، تغییرات ایده‌ای و ارزشی (معینی و پایدارفر، ۱۳۷۶؛ میرزایی، ۱۳۷۸؛ آقاجانیان و مهریار^۲، ۱۹۹۹؛ عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹ الف؛ عباسی شوازی و ترابی، ۲۰۱۲)، تحولات خانواده (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹ ب؛ عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۷؛ عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۳؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴؛ رضائی، پرتوی و محمدپور، ۱۳۹۴)، تغییرات ازدواج و زناشویی (عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹ الف؛ عباسی شوازی، ۲۰۰۰)، الگوهای فرزنداوری (حسینی چاوشی، مک‌دونالد و عباسی شوازی، ۲۰۰۶؛ عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹ الف)، تأثیر نوع جهت‌گیری علمای مذهبی در قبال برنامه‌های تنظیم خانواده (هودفر و اسدپور^۳، ۲۰۰۰) و یا دسترسی به خدمات تنظیم خانواده و نقش خانه‌های بهداشت در مناطق روستایی (عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹ الف؛ صالحی اصفهانی، عباسی شوازی و حسینی چاوشی^۴، ۲۰۱۰) نسبت داده شده است.

زمینه‌ها و شرایط اقتصادی جامعه به‌طور کلی و خانواده‌ها به‌طور خاص، همواره یکی از تعیین‌کننده‌های مهم باروری بوده است. در سال‌های اولیه قرن بیستم با افزایش

1. Abbasi-Shavazi, McDonald & Hosseini-Chavoshi
2. Aghajanian & Mehryar
3. Hoodfar & Assadpour
4. Salehi-Isfahani, Abbasi-Shavazi & Hosseini-Chavoshi

صنعتی شدن، رشد اقتصادی، افزایش شهرنشینی و سایر تحولات موسوم به گذار جمعیتی^۱، روندهای باوروری کاهش یافت و تداوم این جریان، برخی را به وجود رابطه معکوس بین درآمد و باوروری متقاعد کرد (برای مثال بیکر^۲، ۱۹۶۰)، اما به‌ویژه از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد، جمعیت‌شناسان مجدداً به رابطه موافق گردش^۳ اقتصاد و باوروری توجه کرده و اذعان کرده‌اند که تصمیمات و رفتارهای باوروری از میان سایر عوامل، در پاسخ به شرایط اقتصادی شکل می‌گیرد. به این معناکه، افراد در پاسخ به مسائل و مشکلات اقتصادی بیش از زمان‌های وفور و رونق اقتصادی ازدواج را به تأخیر می‌اندازند، تصمیمات باوروری مبتنی بر تعویق یا فاصله‌گذاری بیشتر اتخاذ می‌کنند و یا فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند. در همین راستا، اُرسال و گلدستین^۴ (۲۰۱۰) در مقاله خود استدلال کرده‌اند که شرایط اقتصادی در مقایسه با ۳۰ سال گذشته نقش برجسته‌تری در تعیین رفتارهای باوروری یافته‌اند. بر همین اساس، در ادبیات جدید اقتصاد و باوروری، مشخصاً بر نامانی اقتصادی^۵ به عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در روندهای کاهش باوروری و باوروری پایین بسیاری از مناطق دنیا تأکید شده است.

اگرچه مسائل اقتصادی سهمی در تحولات باوروری ایران داشته و حتی از آن به عنوان یکی از دلایل تداوم روند کاهش باوروری نام برده شده است (عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹ الف: ۱۸۷)، با این وجود، به جز چند مطالعه که اخیراً رفتار باوروری ایرانیان را از جنبه اقتصادی نگریسته‌اند (برای مثال معینی و همکاران^۶، ۲۰۱۴؛ معینی، پوررضا و ترابی، ۱۳۹۱؛ شیدانی، ۱۳۹۲)، سهم مسائل اقتصادی خانوار و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باوروری به‌ویژه در کردستان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع از آنجا اهمیت می‌یابد که در چند سال اخیر، جامعه ایران همزمان با بسیاری از نقاط دنیا مسائل اقتصادی خاصی همچون «رکود تورمی»، بیکاری و ... را رودرروی خود دیده است (نشریه آینده‌نگر، ۱۳۹۱: ۴؛ مردان‌تبار، ۱۳۹۱؛ مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۷۵). اضافه بر مسائل فوق، شاخص‌های اقتصادی محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی استان کردستان را نشان می‌دهند. در حالی‌که کردستان در سال ۱۳۹۰ حدود ۲ درصد از

1. Demographic Transition
2. Baker
3. Pro-cyclical
4. Örsal & Goldstein
5. Economic Insecurity
6. Moeni, Pourreza, Torabi, Heydari and Mahmoudi

جمعیت کشور را در بر گرفته (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)، اما سهم ناچیزی از کل تولید ناخالص داخلی^۱ داشته است، به طوری که «همراه با نفت تنها ۱/۲ و بدون نفت ۱ درصد» می‌باشد، و از این نظر، «جزء ۸ استان رده پایین» است (حسین‌زاده و فرهادی، ۱۳۹۳). همچنین، «با ۴۰/۶۹ میلیون ریال تولید ناخالص داخلی سرانه جزء ۵ استان آخر کشور، و در کنار استان‌های خراسان شمالی، لرستان، گلستان و سیستان و بلوچستان» قرار داشته است (همان). میزان بیکاری جمعیت فعال در این استان نیز، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ از متوسط اندازه آن در کل کشور بیشتر بوده است. در حالی که «نسبت بیکاری جمعیت فعال کل کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۱۲/۸ و ۱۲/۳ درصد بوده، نسبت‌های متناظر در کردستان به ترتیب ۲۰/۲ و ۱۴ درصد» بوده است (خانی، راغفر و خانی، ۱۳۹۱). افزون بر این، بر پایه اندازه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری (برحسب سال پایه ۱۳۷۶)، در طول سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، قیمت کالاها و خدمات مصرفی برای خانوارهای شهری کردستان بیش از دیگر استان‌های کشور بوده و نزدیک به ۳/۵ برابر شده است که مبین متوسط افزایش سالانه ۱۶/۸ درصد در قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری این استان است. بزرگ (تر) بودن اندازه این شاخص نشان‌دهنده بیشتر بودن فشار افزایش قیمت‌ها در طول دوره مورد نظر بر خانوارهاست و برعکس (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶: ۹). بنابراین، شاخص فوق نشان‌دهنده تداوم شدت فشار نسبی قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارها در استان کردستان است. مطالعات انجام‌گرفته هم، محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی استان کردستان به لحاظ اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهند. نتایج مطالعه فطرس و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) که با استفاده از ۹۰ شاخص اقتصادی-اجتماعی و در دو مقطع زمانی ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳ انجام گرفت، نشان می‌دهد که کردستان در هر دو مقطع جزء استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور می‌باشد. نتایج مطالعه پوراصغر سنگاچین، صالحی و دیناروندی (۱۳۹۱) و کلانتری و گنجی (۱۳۸۴) نیز، بیانگر آن است که این استان در بین استان‌های رده پایین از نظر توسعه‌یافتگی قرار دارد.

همچنین، لازم است اشاره شود که در استان کردستان به طور کلی و در شهرستان سنندج به طور خاص، همچون بسیاری از نقاط ایران، «... جمعیت از منظر فعالیت به گونه‌ای است که اولاً، بخش کشاورزی آن توان اشتغال‌زایی اندکی دارد و به علت مکانیزاسیون کشاورزی حتی با مازاد نیرو مواجه است. ثانیاً، اشتغال ایجاد شده عمدتاً

1. Gross Domestic Production (GDP)

شهری است. ثالثاً، بهره‌وری نیروی کار آن بسیار پایین است» (صیدایی، بهاری و زارعی، ۱۳۹۰: ۸-۲۲۵). به‌موارد یاد شده، باید مسائلی همچون فقدان یا کمبود سرمایه‌گذاری‌های مولد به‌ویژه در بخش صنعت، عدم وجود رابطه منطقی بین حقوق‌بگیران و بهره‌وری کار آن‌ها، عدم وجود رابطه منطقی بین هزینه‌های زندگی با درآمدهای حاصل از کار شاغلان، اشتغال به‌کارهای کاذب و بدون چشم‌انداز مطمئن مانند دستفروشی یا کارهای غیرقانونی مانند قاچاق کالا به‌ویژه در میان مهاجران وارد شده به سنندج، وجود تعداد کثیری از بیکاران تحصیل‌کرده دانشگاهی و ... را افزود (صیدایی، بهاری و زارعی، ۱۳۹۰؛ خانی و ضرغامی، ۱۳۹۲). شرایط فوق باعث شده است که منابع اقتصادی و پتانسیل‌های رشد اقتصادی محدودی در استان وجود داشته باشد. در نتیجه محدودیت منابع، که خود ناشی از فقدان یا کمبود سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی است، بسیاری از ساکنان در شرایط دشوار اقتصادی و با درآمدی بسیار پایین زندگی می‌کنند. در این شرایط، مردم برای گذران زندگی و تأمین معاش خود به‌مشاغل خدماتی از جمله مشاغل اداری، آموزشی، مغازه‌داری، رانندگی، کارگری و ...، و یا مشاغل غیررسمی مانند دستفروشی روی آورده‌اند. همچنین، پایین بودن دستمزدها، عدم امنیت اقتصادی قشرهای مختلف جامعه و حاکمیت فشار روانی دائمی ناشی از پدیده‌هایی چون بیکاری‌های فصلی، خشکسالی، نوسان و بحران بازارهای منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی منجر به گرایش فزاینده مردم برای مهاجرت به شهرهای مختلف شده است (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷). به‌عنوان مثال، بسیاری از جوانان، هر ساله در جستجوی کار به شهرهای دیگر شامل تهران، شهرهای شمالی و جنوبی کشور مهاجرت می‌کنند. در سال‌های اخیر، تعداد عمده‌ای از این افراد حتی به شهرهای گردنشین کشور عراق در قالب نیروهای کاری ساختمانی و یا تجار خرده‌پا مهاجرت کرده و این مهاجرت‌ها، یکی از واکنش‌هایی است که کل مردم با این شرایط محدودکننده در راستای تحرک اقتصادی خویش به‌کار می‌گیرند (محمدزاده و خانی، ۱۳۹۴؛ محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷).

پس این استان در عین رویارویی با عدم توسعه‌یافتگی، در سال‌های اخیر همزمان با جامعه ایران با مسائل اقتصادی بیکاری، تورم و ... البته در مقیاسی وسیع‌تر مواجه شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کردستان، ۱۳۸۷). در این شرایط، شناخت ما از اینکه رفتار و ایده‌آل باوروی زنان تا چه حد و به چه طریقی تحت تأثیر وضعیت نامساعد اقتصادی حاکم بر خانوارها می‌باشد، اندک است. از طرف دیگر، مطالعاتی از این قبیل ضمن بدیع بودن، زمینه رفع ابهامات موجود را فراهم می‌کند زیرا، چگونگی سطح و روند

باروری استان‌های مرزی و متنوع از نظر بافت قومی و مذهبی همواره مورد سؤال بوده است. لذا، مطالعه حاضر در استان کردستان و در راستای پاسخگویی به این سؤالات شکل گرفته است که: رفتار و ایده‌آل باروری زنان دارای همسر خانوار در شهرستان سنندج چگونه است؟ و تا چه حد با شرایط اقتصادی حاکم بر خانوار قابل تبیین است؟

مبانی و چارچوب نظری

مدل‌های اقتصادی باروری در چند دهه گذشته پارادایم تبیینی غالب در مطالعات باروری بوده‌اند. در این نظریه‌ها، استدلال می‌شود که تصمیم‌گیری در مورد اندازه خانواده تحت تأثیر وضعیت اقتصادی خانوار قرار دارد. تصمیم‌گیرندگان تولیدمثل عاملانی هستند که از لحاظ اقتصادی عقلانی عمل می‌کنند و با توجه به عوامل اقتصادی رفتار باروری‌شان را تنظیم می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۴). اگرچه این نظریه‌ها بسیار مهم‌اند، اما مهم‌ترین ضعف‌شان این است که تحت تأثیر رویکرد عینی و واقع‌گرا بوده و بر وجه عینی و عقلانی رفتار باروری تأکید کرده و از توجه به ارتباط رفتارها و نگرش‌های باروری با دیگر ابعاد اجتماعی و فرهنگی غفلت کرده‌اند. واقعیت این است که محاسبه منافع و هزینه فرزندان به صورت حساب‌شده همیشه ممکن نیست. از طرف دیگر، خطوط فکری نظریه‌پردازان اقتصادی باروری درباره منافع و هزینه فرزندان، بیشتر به مثابه نگرشی بدون در نظر گرفتن احساس و عاطفه و دارای ماهیتی بسیار عقلانی-شناختی است. به طور خلاصه، همان‌گونه که محققانی چون فیوری و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، کرینفلد، آندرسون و پایله^۲ (۲۰۱۲)، سانتارلی^۳ (۲۰۱۱)، سوبوتکا، سکاایربک و فیلیپوف^۴ (۲۰۱۰)، بایومیک و ناگنت^۵ (۲۰۰۵)، و مک‌دونالد (۱۹۹۶) اظهار کرده‌اند، چارچوب اقتصادی باروری به این خاطر که تأکید زیادی بر روی درآمد دارد و چون توجهی به ناامنی، نگرانی و بی‌اطمینانی اقتصادی نمی‌کند، نمی‌تواند به تبیین رابطه بین ناامنی اقتصادی و باروری بپردازد. یکی از نظریه‌هایی که بر روی ناامنی اقتصادی تأکید می‌کند، تئوری اجتناب از خطر^۶ است. نظریه اجتناب از خطر از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار ریشه

1. Fiori, Rinesi, Pinnelli & Prati
2. Kreyenfeld, Andersson & Pailhé
3. Santarelli
4. Sobotka, Skirbekk & Philipov
5. Bhaumik & Nugent
6. The Risk Aversion Theory

می‌گیرد (فیوری و همکاران، ۲۰۱۳). به‌زعم بیکر (۱۹۶۰)، افراد در تصمیم‌گیری برای اینکه بچه داشته باشند یا نه، مزایا و هزینه‌های داشتن فرزند اضافی را سبک‌سنگین می‌کنند. براین‌اساس، افراد دانش یا درک مناسبی از هزینه‌ها و منافع داشتن فرزند اضافی دارند. نظریه اجتناب از خطر، بعد بی‌اطمینانی اقتصادی را به‌فرایند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند. در واقع، ممکن است افراد درک ضعیفی از فرصت‌ها و هزینه‌های مرتبط با انتخاب‌هایی که برای آینده در نظر می‌گیرند داشته باشند (فیوری و همکاران، ۲۰۱۳؛ سوپوتکا، سکاایربک و فیلیپوف، ۲۰۱۰)، چرا که «نمی‌توان با قطعیت تشخیص داد که چه هزینه‌ها و منافع پیش‌رو خواهد بود، لذا افراد به‌نحوی تصمیم می‌گیرند که جریان آینده زندگی خود را تغییر دهند و از این‌رو، تصمیمات آن‌ها (در مورد فرزندآوری و امور دیگر) بستگی به جهت‌گیری‌های آن‌ها خواهد داشت» (مک‌دونالد، ۱۹۹۶: ۳۸۸). مطابق با این نظریه، تعهدات بلندمدتی چون ازدواج و والدین شدن، مستلزم حدی از ثبات شغلی یا دورنمای واقع‌بینانه شغلی و امنیت اقتصادی است (اُپنهاimer، ۱۹۸۸؛ بلاسفلد و همکاران^۲، ۲۰۰۵). لذا، ناامنی‌های اقتصادی و درآمدی حاصل از بی‌ثباتی مشاغل بر نیات و رفتار باروری اثر منفی و اجتناب‌ناپذیری دارند. به‌عبارت دیگر، به‌خاطر بی‌اطمینانی زندگی‌نامه‌ای^۳ که این مسائل با خود به همراه می‌آورند، باعث تأخیر یا حتی چشم‌پوشی از باروری می‌شوند (برناردی، کلارنو و لپه^۴، ۲۰۰۸؛ تولکی و دیوالد^۵، ۲۰۰۳؛ کوهرلر، بیلاری و اُرتگا^۶، ۲۰۰۲؛ جاکسون^۷، ۲۰۰۲؛ چسنایس^۸، ۲۰۰۰)، و افراد در شرایط ناامن اقتصادی سرمایه‌گذاری بر روی اموری چون تحصیلات، دستیابی به بازار کار، ساعت‌های طولانی کار و پس‌انداز- که مورد امنیت اقتصادی هستند- را در فکر می‌پروراند (بک^۹، ۱۹۹۹؛ فیوری و همکاران، ۲۰۱۳). مک‌دونالد (۱۹۹۶، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶)، یکی از محققانی است که به بسط این نظریه پرداخته است. به‌اعتقاد او، جهانی‌شدن و افزایش سریع سطح تحصیلات، توقعات اقتصادی خانواده‌ها، به‌ویژه جوانان را بالا برده است. به‌طور همزمان، رقابتی شدن بازار کار منجر به

1. Oppenheimer
2. Blossfeld, Mills, Klijzing & Kurz
3. Biographical Uncertainty
4. Bernardi, Klarner & Lippe
5. Tölke & Diewald
6. Kohler, Billari & Ortega
7. Jackson
8. Chesnais
9. Beck

تغییرات گسترده‌ای در درآمدها و ثبات شغلی آنان شده است. تجربه بالای بیکاری افراد با پس‌اندازهای پایین و فقدان موقعیت در بازار کار رقابتی و افزایش احساس ناامنی همراه است. قرار گرفتن در این شرایط به شدت احساس ریسک را بالا برده و در این وضعیت، افراد مسیرهایی (مانند تحصیلات و تجربه بازار کار) را دنبال می‌کنند که با ریسک کمتری همراه بوده و مسیر مناسبی برای اجتناب از خطر به شمار می‌رود. بنابراین، در حالی که تشکیل خانواده و فرزندآوری هدف عمده‌ای برای اکثر مردم است، در سرمایه‌داری جدید مبتنی بر فرصت‌ها و ریسک‌های موجود، تاحدی تمایل به آن کاهش می‌یابد در نتیجه، باروری واقعی پایین‌تر از ترجیحات و امیال فرزندآوری قرار می‌گیرد.

فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی یا شکاف بین آمال و منابع^۱، یکی از نظریه‌های دیگری است که از دریچه آن به موضوع مورد بررسی توجه شده است. بیشتر اقتصاددانان این ایده را می‌پذیرند که شکاف بین آمال و منابع موجود برای برآوردن این آرزوها می‌تواند رفتار اقتصادی را به طور معنی‌داری تحت تأثیر قرار دهد (فریدمن^۲، ۱۹۷۶). ریچارد استرلین^۳ با بسط این مفهوم، عقیده داشت که شکاف بین درآمد و آمال (یا سلیق) ممکن است باروری را نیز تحت تأثیر قرار دهد، چرا که زوجین دارای درآمدهای ناکافی برای برآوردن سلیق (کالاهای مصرفی) خود، می‌توانند از طریق محدود کردن بُعد خانواده منابع موجودشان را امتداد دهند (استرلین، ۱۹۷۶). ایده اساسی در نظریه استرلین آن است که اگر مردان جوان - نان‌آوران بالقوه خانوار - بدست آوردن پول کافی برای استقرار زندگی ایده‌آل و واقعی خود یا همسران آینده را آسان ببینند، پس ازدواج کرده و فرزندآوری تشویق خواهد شد. از طرف دیگر، اگر بدست آوردن پول کافی برای پشتیبانی از سبک مطلوب و مد نظر زندگی سخت باشد، فشار اقتصادی موجود منجر به تعویق ازدواج خواهد شد، و برای آن‌هایی که هم‌اکنون ازدواج کرده هستند، منجر به استفاده از وسایل پیشگیری برای اجتناب از فرزندآوری، و شاید تحریک زنان برای ورود به بازار کار خواهد شد.

در جامعه ایران و به ویژه در استان کردستان، که مردان تأمین‌کننده اصلی نیازهای اقتصادی خانوار هستند و زنان بیشتر به خانه‌داری و مراقبت از فرزندان می‌پردازند و مشارکت اقتصادی آن‌ها در سطح بسیار پایینی قرار دارد^۴، رفاه و امنیت اقتصادی

1. The Conflict between Aspirations and Resources Theory

2. Freedman

3. Easterlin

۱. به عنوان مثال، میانگین نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال زنان ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۵، به ترتیب ۱۱ و ۹ درصد (پدراش نگارندگان بر مبنای داده‌های فتحی، ۱۳۸۸: ۱۱۲؛ و محمودیان و رشوند،

خانواده‌ها عمدتاً وابسته به شرایط اقتصادی مردان در بازار کار است. به عبارت دیگر، مدل خانوادگی غالب در جامعه ایران، مدل نان‌آور مرد است. در این مدل، شاید امنیت (نامانی) اقتصادی خانواده‌ها برای زنان اهمیت زیادی نداشته باشد، اما شرایط اقتصادی مناسب مردان یکی از عوامل مهمی است که رفتار و ایده‌آل‌های باروری زوجین را شکل می‌دهد. از این‌رو، فرض بر آن است که فاصله زیاد بین منابع یا واقعیات و انتظارات اقتصادی خانواده‌ها، عاملی برای پایین بودن رفتار و ایده‌آل باروری در میان افراد مورد مطالعه است.

البته، بسیاری از محققان اظهار کرده‌اند که رابطه بین شرایط اقتصادی و ازدواج یا داشتن فرزند (بیشتر) ممکن است عمومیت نداشته باشد. به عبارت دیگر، تأثیر شرایط اقتصادی نمی‌تواند جدای از دیگر عوامل مؤثر بر باروری، همچون نظام‌های هنجاری و ارزشی مرتبط با والدین و فرزندان، یا زمینه‌های نهادی و فرهنگی، و یا فشارهای اجتماعی دیده شود (برناردی، کیم و لیپه^۱؛ ۲۰۰۷؛ برناردی، کلارنر و لیپه، ۲۰۰۸؛ راسیر و برناردی^۲، ۲۰۰۹؛ آنخو، بوش و رابری^۳، ۲۰۱۰؛ میلز و بلاسفلد، ۲۰۰۵). در اینجا، عناصری از تئوری کنش ترکیبی (اقترانی)^۴ (جانسون‌هانکس و همکاران^۵، ۲۰۱۱) را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم که برطبق آن، شباهت یا تفاوت در رفتارهای افراد را بایستی پیامد ساختارها (ویژگی‌ها)ی ذهنی و عینی مشابه یا متفاوت دانست. ساختارهایی که ممکن است بر حلقه‌های ارتباطی یا پیوندهای افراد در گروه‌ها و فضای اجتماعی تأثیر بگذارند. لذا، پذیرش رفتار اجتناب از خطر یا غیر آن می‌تواند بستگی به ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی افراد، و واکنش‌های اجتماعی و نهادی به بی‌اطمینانی داشته باشد. بنابراین براساس این نظریه، ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی افراد می‌تواند رابطه بین شرایط اقتصادی و رفتار و ایده‌آل‌های باروری را تعدیل کند. برای مثال، در شرایطی که افراد وضعیت اقتصادی خود را ناامن می‌دانند، با فرض برابری سایر عوامل، ممکن است آن‌هایی که از سطوح تحصیلی بالاتری برخوردارند بیشتر متمایل به انکار یا به تأخیر انداختن برنامه‌های باروری باشند. از

۱۳۹۰: ۱۲۹)، و ارقام متناظر برای زنان استان کردستان طی همین سال‌ها، به ترتیب ۹/۵ و ۸/۱ درصد می‌باشد (پردازش نگارندگان بر مبنای داده‌های سالنامه آماری استان کردستان (۱۳۹۰)).

1. Bernardi, Keim & Lippe
2. Rossier & Bernardi
3. Anxo, Bosch & Rubery
4. Conjunctural Action Theory
5. Johnson-Hanks, Bachrach, Morgan & Kohler

طرف دیگر، افراد کمتر تحصیل کرده ممکن است ارزش کمتری برای وجود امنیت اقتصادی قائل شده و ازدواج یا یک فرزند اضافی را به عنوان راهی برای خروج از ناامنی درک کنند. سن نیز، ممکن است مسیری را که ناامنی اقتصادی بر ازدواج و ایده‌آل‌ها و رفتار باروری اثر می‌گذارد تعدیل کند. احتمالاً افراد مسن‌تر صرف نظر از وضعیت اقتصادی خود، فشار برای ازدواج یا برنامه‌ریزی بر روی تولد بیشتر را احساس می‌کنند.

با جمع‌بندی بحث می‌توان گفت که مطابق با چارچوب نظری، اگر رابطه بین ناامنی اقتصادی و رفتار و ایده‌آل باروری زنان حتی با کنترل سایر متغیرهای اجتماعی-جمعیتی، در جهت منفی معنی‌دار باشد، پس اجتناب از خطر تبیینی کارآمد خواهد بود. به عبارت دیگر، زنان دارای شرایط ناامن اقتصادی به‌طور کلی، فرزندآوری کمتری دارند و متمایل به داشتن فرزند کمتری خواهند بود. البته، ممکن است جهت این ارتباط یک‌سویه و مسلم نباشد و مطابق با تبیین‌های نظری دیگر، رابطه بین ناامنی اقتصادی و باروری تغییر کند (کاهش یابد یا از بین برود). در مطالعه حاضر، برای بررسی این موضوع، به‌طور همزمان تأثیر متغیرهای جمعیتی زنان مورد کنترل قرار می‌گیرد تا به تأثیر نسبی ناامنی اقتصادی بر باروری (پذیرش یا عدم پذیرش رفتار اجتناب از خطر) پی برده شود.

میدان و روش تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق، شهرستان سنندج، مرکز استان کردستان است. شهرستان مورد مطالعه با مساحتی در حدود ۳۲۸۴ کیلومترمربع، در سال ۱۳۹۰ دارای ۲ بخش، ۲ شهر و ۱۰ دهستان بوده است. مردم آن اکثراً کُرد و اهل تسنن و پیرو امام شافعی هستند. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، این شهرستان دارای ۴۵۰۱۶۷ نفر جمعیت بوده و بیش از ۳۰ درصد کل جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. جمعیت شهرستان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و ۱۳۹۰-۱۳۸۵ به ترتیب با آهنگ‌های ۱/۴۹ و ۱/۵۳ درصد در سال، یعنی بیش از دو برابر میزان رشد جمعیت استان- که به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۳ درصد می‌باشد- افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱). در شهرستان سنندج آهنگ رشد جمعیت نقاط روستایی در فاصله سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، ۱/۸۹ درصد) بوده، ولی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵ بسیار تنزل یافته و به منفی ۵/۴ درصد در سال رسیده است. این نتیجه با نسبت جمعیت شهرنشین شهرستان سنندج که در سال ۱۳۷۵ حدود ۷۷ درصد و در سال ۱۳۹۰ حدود ۸۳/۵ درصد بوده، همسویی دارد و بیانگر خالی از سکنه شدن شدید روستاها و البته افزایش طبیعی جمعیت در نقاط شهری است.

میانگین بُعد خانوار در شهرستان سنندج از حدود ۵ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳/۵ نفر در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و با تحولات باروری همسویی دارد. بر مبنای سرشماری ۱۳۹۰، نرخ باروری کل استان در حدود ۱/۹ فرزند برآورد گردید (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۲). همچنین، برآوردها نشان می‌دهد که نرخ باروری کل برای شهرستان‌های استان از ۱/۷ فرزند در سنندج تا ۲/۴ فرزند در بانه متغیر است (همان). از دیگر ویژگی‌های جمعیتی قابل ذکر این‌که در سال ۱۳۹۰، نسبت باسوادی این شهرستان از نسبت باسوادی کل استان بالاتر بوده است (۸۲/۴ در مقابل ۷۸ درصد). همچنین، در کل شهرستان به ازای هر ۱۰۰ نفر فرد ۱۰ سال به بالای جمعیت، ۳۹ نفر فرد فعال اقتصادی وجود دارد. این رقم برای مردان ۶۷ و برای زنان ۱۱ نفر است. از طرف دیگر، در جامعه مورد مطالعه نسبت بیکاری جمعیت فعال، زیاد یعنی حدود ۱۸ درصد است. این وضعیت در نقاط شهری و به ویژه در میان زنان وخیم‌تر است (به ترتیب ۱۹/۴ و ۳۶/۲ درصد) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). تحقیق حاضر به صورت پیمایشی و در پاییز سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. داده‌های مطالعه به شیوه میدانی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه چهره‌به‌چهره گردآوری شد. در طراحی و تدوین پرسشنامه‌های تحقیق از پرسشنامه‌های استاندارد مطالعات قبلی^۱ کمک گرفته شد. همچنین، پرسشنامه در میدان تحقیق به صورت مقدماتی آزمون شد و اعتبار درونی^۲ و پایایی^۳ مفاهیم و متغیرهایی که در مقیاس ترتیبی سنجیده شده بودند، احراز شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای معمولی ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان سنندج است که تعداد آن‌ها بر طبق نتایج سرشماری، ۱۲۶۹۸۷ خانوار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۴۰۲ خانوار برآورد گردید. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های طبقه‌ای متناسب و نامتناسب، خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای، تصادفی ساده، و تصادفی سیستماتیک می‌باشد. در مرحله اول، نمونه‌ها متناسب با تعداد خانوارهای ساکن در نقاط شهری و روستایی اختصاص یافت. با توجه به اینکه ۸۳/۷ درصد از خانوارهای شهرستان در نقاط شهری ساکن هستند، تعداد نمونه‌های شهری ۳۳۶ خانوار، و تعداد نمونه‌های روستایی ۶۶ خانوار بود. با این وجود، به دلیل پایین بودن خانوارهای نمونه

۱. این بررسی‌ها عبارت بودند از: طرح تحولات باروری در ایران سال ۱۳۸۱، پیمایش ملی جوانان سال ۱۳۹۲، بررسی ویژگی‌های جمعیتی و بهداشتی ایران سال ۱۳۸۹، و طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار سال ۱۳۸۳.

2. Internal Validity

3. Reliability

روستایی، از یک استراتژی مداخله‌گرانه استفاده شد و تعداد ۹۸ خانوار به نمونه روستایی اضافه شد به طوری که، حجم نمونه نقاط روستایی به حدود یک‌دوم نمونه‌های شهری یعنی ۱۶۴ خانوار ارتقاء یافت.^۱

برای انتخاب خانوارهای شهری ابتدا، با توجه به اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، نواحی سه‌گانه شهرسندج براساس تعداد حوزه آماری تفکیک شد. سپس، به صورت متناسب سهم هر حوزه آماری به ترتیب ۸۴، ۱۰۸ و ۱۴۴ خانوار معین شد. با توجه به این که خانوارها در واحد آماری کوچک‌تری بنام بلوک آماری قرار دارند، با استفاده از فرم فهرست برداری سرشماری سال ۱۳۹۰، از تمامی حوزه‌ها ۲۸ بلوک دارای بیش از ۲۸ خانوار معمولی ساکن به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و انتخاب این بلوک‌ها مجدداً متناسب با سهم حوزه‌های هر ناحیه بود. به طوری که، به ناحیه اول ۷ بلوک، به ناحیه دوم ۹ بلوک و به ناحیه سوم ۱۲ بلوک اختصاص یافت و تعداد خانوارهای مورد نیاز برای انجام پیمایش در هر بلوک به صورت نامتناسب ۱۲ خانوار معین شد. پس از آن، آدرس دقیق بلوک‌های منتخب از بخش نقشه‌خوانی دفتر آمار و اطلاعات مرکز آموزش و پژوهش استانداری استان گرفته شد. در نهایت، پس از آموزش نکات لازم به پرسشگران، از آنان خواسته شد که در شمال غربی بلوک قرار گرفته و با حرکت به طرف شرق و عبور از دو خانه اول، با خانه سوم در صورت واجد شرایط بودن مصاحبه کنند. سپس دو خانه را رد کرده و با خانه بعدی (ششم) مصاحبه کنند و به این ترتیب بلوک را دور بزنند تا ۱۲ خانوار نمونه انتخاب شود.

برای انتخاب خانوارهای نمونه در نقاط روستایی به این ترتیب عمل شد: با توجه به این که شهرستان سندج متشکل از ۲ بخش و ۱۰ دهستان (بخش مرکزی ۷ دهستان و بخش کلاترزان ۳ دهستان) بوده و دهستان‌های بخش مرکزی ۷۳/۱ درصد و دهستان‌های بخش کلاترزان ۲۶/۹ درصد از کل خانوارهای روستایی را به خود اختصاص داده‌اند، لذا به صورت متناسب ۷۰ درصد از روستاهای نمونه به بخش مرکزی و ۳۰ درصد به کلاترزان اختصاص یافت. بدین منظور، به صورت تصادفی ساده در بخش مرکزی ۳ دهستان (حومه، سراب‌قامیش و نران) و در بخش کلاترزان ۲ دهستان (ژاورد غربی و کلاترزان) انتخاب شد. در مرحله بعد، با کمک فرهنگ آبادی‌های ۱۳۹۰ استان کردستان، تمامی روستاهای دارای سکنه ۴۰ خانوار به بالا از پنج دهستان منتخب لیست و شماره‌گذاری

۱. البته برای اینکه اثر اضافه نمودن تعداد ۹۸ نمونه روستایی خنثی شود، داده‌های شهری وزن‌دهی شدند. بر این اساس، ۸۴ خانوار به نمونه‌های شهری اضافه شده و حجم نمونه کل به ۵۸۴ خانوار (۴۲۰ در شهر و ۱۶۴ در روستا) افزایش یافت.

شدند. در نهایت، از میان ۵۸ روستای لیست شده، ۱۰ روستا (۷ روستا از بخش مرکزی و ۳ روستا از بخش کلاترزان) به شکل تصادفی ساده انتخاب شد. پس از گرفتن آدرس دقیق و مراجعه به روستاها و انجام هماهنگی های لازم با دهیار یا یکی از اعضای شورای روستا، به شکل نامتناسب به استثنای دو روستای بزرگ بخش مرکزی (روستا های سراب قامیش و قلیان) که به هر یک ۱۸ نمونه اختصاص یافت، در سایر روستاها ۱۶ خانوار و در مجموع ۱۶۴ خانوار برای انجام مصاحبه در نظر گرفته شد. نحوه انتخاب خانوارها در مناطق روستایی نیز به شکل تصادفی سیستماتیک بود.

متغیرهای مطالعه و شیوه تحلیل داده ها

در این مطالعه، متغیرهای نامانی اقتصادی و فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی خانوار، متغیرهای مستقل به شمار می روند. متغیر وابسته نیز، رفتار و ایده آل باروری زن خانوار است. ویژگی های جمعیت شناختی هم به عنوان متغیرهای زمینه ای مورد توجه هستند. ۱. **نامانی اقتصادی خانوار:** وسترن و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، در مقاله ای ضمن تعریف نامانی اقتصادی با عنوان "خطر زیان اقتصادی پیش روی افراد و خانوارها به طوری که آن ها با وقایعی غیر قابل پیش بینی در زندگی اجتماعی مواجه می شوند"، به ارائه چارچوبی چهاربخشی برای مطالعه نامانی اقتصادی بدین شرح پرداخته اند: نخست، استدلال می کنند که به خاطر ماهیت رابطه ای^۲ مشخص این مفهوم، در مطالعه نامانی اقتصادی باید بر روی خانوارها تمرکز کرد. این امر باعث می شود که مجموعه ای از ریسک های موجود در درون خانوارها (از جمله بیش از یک فرد دارای درآمد) را مورد بررسی قرار داد. دوم، معتقدند که مفهوم نامانی نه تنها با کاهش سطوح درآمد، بلکه با تغییرات نزولی درآمد در طول زمان مرتبط است. سوم، ادعا می کنند که فقدان درآمد با مسائلی همچون بیکاری، ازدواج دیرهنگام، انحلال خانواده و بهداشت ضعیف همراه است. سرانجام، بحث می کنند که وجود وقایع نامساعد اقتصادی و اثرگذاری آن ها بستگی به وجود (عدم وجود) روابط بیمه ای و حمایتی در خانوارها دارد. آن ها خاطر نشان می سازند که نهادهایی چون بازار کار، نظام رفاهی، یا حمایت تدارک یافته از طرف شبکه خانوادگی در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردارند، چرا که منابع و ابزارهای کاهش و تغییر خطرات و جلوگیری از گسترش آن ها را فراهم می آورند.

1. Western, Bloom, Sosnaud & Tach

2. Relational Nature

ما با الهام از چارچوب فوق، بر سطح خانوار تمرکز کرده و ناامنی اقتصادی را هم از بُعد عینی و هم از بُعد ذهنی مورد بررسی قرار داده‌ایم. در بُعد عینی، ابتدا با سؤال از شغل دقیق سرپرست خانوار، جایگاه شغلی وی به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شد. وضعیت شغلی زن نیز، در دو گروه عمده شاغل و غیرشاغل مشخص شد. سپس، با ترکیب جایگاه شغلی سرپرست و وضعیت شغلی زن، متغیر سطح ناامنی شغلی خانوار در سه مقوله پایین (شامل زن شاغل - سرپرست در جایگاه شغلی بالا و یا زن شاغل - سرپرست در جایگاه شغلی متوسط)، متوسط (شامل زن شاغل - سرپرست در جایگاه شغلی پایین، زن غیرشاغل - سرپرست در جایگاه شغلی بالا، و یا زن غیرشاغل - سرپرست در جایگاه شغلی متوسط) و بالا (شامل زن غیرشاغل - سرپرست در جایگاه شغلی پایین و یا سرپرست غیرشاغل - زن شاغل و غیرشاغل) مشخص شده و خانوارها به این سه طبقه نسبت داده شدند. بُعد دیگر ناامنی اقتصادی عینی، سنجش توانایی کلی خانوار برای مقابله با حوادث نامساعد اقتصادی احتمالی در آینده است. در این زمینه، به سه جنبه متمایز سطح قدرت خرید خانوار، وضعیت مالکیت مسکن خانوار و میزان دریافت حمایت از شبکه خانواده توجه کردیم. جنبه اول از ترکیب پاسخ‌های داده شده به سؤالاتی غیرمستقیم شامل: «طی چند سال گذشته، هزینه‌های زندگی‌تان چه تغییری کرده است؟» و «اگر افزایش یافته است، آیا ناشی از رشد درآمدتان بوده است یا ناشی از افزایش تورم و گرانی؟»، و سؤال مستقیم شامل: «به‌طور کلی، قدرت خرید شما در شرایط کنونی نسبت به قبل چگونه است؟»، سنجیده شد. وضعیت مالکیت مسکن خانوار نیز، که به‌عنوان شکل دیگری از تضمین (امنیت) در برابر ریسک‌های اقتصادی دیده می‌شود، مورد پرسش قرار گرفت و پاسخ‌ها در سه مقوله مالکیت شخصی، مجانی و سازمانی، و استیجاری طبقه‌بندی گردید. جنبه سوم توانایی کلی خانوار برای مقابله با حوادث نامساعد اقتصادی، سنجش میزان حمایت دریافتی از شبکه خانواده (خانواده والدین) بود. این متغیر حاصل ترکیب اطلاعات گردآوری شده از سؤالی بدین صورت بود که زوجین در کدام یک از موارد (در هنگام مضيقه مالی، در کارهای منزل، و ...) از اطرافیان، به‌ویژه خانواده والدین (والدین خود و همسر) کمک دریافت کرده یا می‌کنند؟.

همچنین، نظریه احتمال متفاوت بودن وزن ابعاد ناامنی اقتصادی عینی در شهر و روستا، از پنج تن از اساتید حوزه علوم اجتماعی برای اولویت‌بندی ابعاد و وزن‌دهی مقوله‌ها در گدگذاری و شاخص‌سازی نهایی کمک گرفته شد. نحوه سنجش و عملیاتی

نامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج

کردن متغیر نامنی اقتصادی عینی خانوار، وزن دهی مقوله‌ها برحسب منطقه و دامنه تغییرات متغیر در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. نحوه سنجش و عملیاتی کردن متغیر نامنی اقتصادی عینی خانوار، پیمایش رفتار و ایده‌آل‌های باروری سنندج، ۱۳۹۳

متغیر نامی و دامنه تغییرات	متغیر فرعی	مقوله‌ها و میانگین وزن هر یک برحسب منطقه			نحوه سنجش و ایجاد متغیر	نوع سنجش	مفهوم
		روستا	شهر	مقوله‌ها			
از ترکیب چهار متغیر فرعی شاخص نامنی اقتصادی عینی خانوارها در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. در شهر حداقل مقدار (۵/۷۵)، حداکثر مقدار (۱۸/۹۵) و دامنه تغییرات متغیر (۱۳/۲)، و در روستا به ترتیب (۶/۱۵)، (۱۷) و (۱۰/۸۵) بوده است.	سطح نامنی شغلی		۱/۲۵	پایین	سؤال از شغل سرپرست و رتبه بندی آن در جایگاه بالا، متوسط، پایین، همچنین سؤال در مورد وضعیت شغلی زن (شاغل و غیر شاغل) و ترکیب وضعیت شغلی سرپرست وزن	۱- شغلی	
		۱	/۸۵				
	سطح قدرت خرید خانوار	۲	۲	متوسط			
		۵	/۹۵	بالا			
مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. در شهر حداقل مقدار (۵/۷۵)، حداکثر مقدار (۱۸/۹۵) و دامنه تغییرات متغیر (۱۳/۲)، و در روستا به ترتیب (۶/۱۵)، (۱۷) و (۱۰/۸۵) بوده است.	وضعیت مالکیت مسکن		۱/۲۵	شخصی	سؤال از سرپرست در مورد وضعیت مالکیت مسکن و مقوله بندی مجدد پاسخ‌ها	۲- مسکن	
		۱	۱				بالا
	سطح قدرت خرید خانوار	۲	۲/۵	متوسط			
		۵	۴/۵	پایین			
دریافت حمایت از خانواده والدین در مواردی از قبیل مضيقه مالی، کارهای منزل، و... و مقوله بندی مجدد پاسخ‌ها	دریافت حمایت از شبکه خانواده		۱/۷	عدم دریافت یا فقط دریافت حمایت غیر مالی	سؤال از زن خانوار در مورد دریافت یا عدم دریافت حمایت از خانواده والدین در مواردی از قبیل مضيقه مالی، کارهای منزل، و... و مقوله بندی مجدد پاسخ‌ها	۳- حمایت از خانواده	
		۲	۲/۹				دریافت حمایت مالی
	دریافت حمایت از شبکه خانواده	۳	۳	دریافت حمایت مالی			
		۴	۴	دریافت حمایت مالی و غیر مالی			

از بُعد ذهنی، نامنی اقتصادی خانوار را با طرح ۱۷ گویه درباره سطح نگرانی افراد (سرپرستان خانوار) در مورد امور هزینه‌ها، مالی و درآمدی، شغلی و مسکن مورد بررسی قرار دادیم. در واقع، از آنان خواستیم که در هر کدام از ابعاد و گویه‌های مورد سنجش سطح نگرانی خود را مشخص کنند. در مرحله بعد، با جمع نمره گویه‌ها شاخص نامنی اقتصادی ذهنی خانوارها در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. در جدول ۲، ابعاد، گویه‌ها، مقوله‌های پاسخ و وزن آن‌ها برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر نامنی اقتصادی ذهنی خانوارها آمده است.

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران

جدول ۲. ابعاد، گویه‌ها، مقوله‌ها و میانگین وزن گویه‌های هر بُعد برای سنجش متغیر نامنی اقتصادی ذهنی سرپرست خانوار، پیمایش رفتار و ایده‌آل‌های باروری سندهج، ۱۳۹۳

ابعاد نامنی اقتصادی ذهنی		گویه‌ها		مقوله‌ها و میانگین وزن آن‌ها بر اساس نظر متخصصان بر حسب منطقه																				
				بسیار نگرانم		اندکی نگرانم		خیلی نگران نیستم		اصلاً نگران نیستم														
				شهر	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا	شهر	روستا													
احساس نامنی در بُعد شغلی (چهار گویه)	۴/۵۵	۴/۸	۴	۴/۴۵	۲	۲/۶۵	۱/۵	۱/۳۵	۱) از دست دادن شغل در آینده نزدیک، ۲) امکان عدم تمدید قرارداد در شغل از سوی کارفرما، ۳) اخراج از شغل فعلی و ۴) پیدا نکردن شغل در صورت از دست دادن شغل															
									احساس نامنی در بُعد هزینه‌های زندگی (سه گویه)	/۸۵ ۴	۵	۳/۷	۳/۵	۲/۳۵	۲/۱۵	۱/۲	۵) تأمین هزینه‌های ضروری زندگی، ۶) تأمین هزینه‌های فرزند یا فرزندان (در صورت داشتن فرزند) و ۷) تأمین هزینه‌های پزشکی خود یا یکی از اعضای خانواده در هنگام بیماری							
																	احساس نامنی در بُعد مسکن (پنج گویه)	۴/۲۵	۴	۳/۴۲	۲	۲/۶	۱	۸) عدم توان دست‌یابی به مالکیت مسکن، ۹) توان پرداخت اقساط مسکن، ۱۰) گران شدن قیمت اجاره مسکن، ۱۱) توان پرداخت اجاره مسکن و ۱۲) سکونت در محله‌های حاشیه و خانه‌های فرسوده
																								احساس نامنی در بُعد مالی و درآمدی (پنج گویه)
(۶۳/۱۵)، (۱۹/۶)، (۸۲/۷۵) (۵۶/۰۵)، (۲۳/۸۵)، (۷۹/۹)								حداکثر و حداقل مقدار دامنه تغییرات مورد انتظار در شهر به ترتیب: حداکثر و حداقل مقدار دامنه تغییرات مورد انتظار در روستا به ترتیب:																

۲. فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی: معنای اصلی این مفهوم به قول رابرت گر (۱۳۷۷: ۵۴)، عبارتست از "اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت". به عبارت دیگر، فاصله‌ای است که میان انتظارات افراد و واقعیات پیش‌روی آن‌ها وجود دارد. برای سنجش این متغیر، از یک سؤال استاندارد- برگرفته از پیمایش طرح تحولات باروری ایران، ۱۳۸۱ استفاده شد. همچنین، موارد مد نظر بر اساس نظر متخصصان امر بر حسب منطقه تعدیل شده، به طوری که برای ساکنان شهر ۲۳ آیتم و برای ساکنان روستا ۱۴ آیتم مورد سؤال قرار گرفت. در این سؤال، از زنان خانوار در مورد مالکیت کالاها و چیزهای باارزش و میزان ضرورت این موارد برای زندگی خود و فرزند یا فرزندان‌شان پرسیده شد. در جدول ۳، نحوه سنجش و عملیاتی کردن مفهوم فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و دامنه تغییرات آن آمده است.

نامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج

جدول ۳. سنجش و عملیاتی کردن مفهوم فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی، پیمایش رفتار و

ایده‌آل‌های باروری سنندج، ۱۳۹۳

مفهوم	سؤال از ۲۹-۱۵ ساله دارای همسر خانوار	مورد برحسب منطقه (مالکیت دارندند ۱، مالکیت ندارند ۰) (بسیار ضروری است ۱، خیلی ضروری نیست یا ضروری نیست ۰)	
		شهر	روستا
فاصله بین واقعیت و انتظارات اقتصادی و باروری	شما یا همسرتان مالک کدامیک از موارد زیر هستید؟ و ضرورت آن‌ها برای زندگی خود (فرزند یا فرزندان‌تان) چقدر است؟	(۱) منزل مسکونی، (۲) خودرو، (۳) حساب پس‌انداز / اوراق مشارکت، (۴) تحصیلات بالا، (۵) شغل و درآمد بالا، (۶) مقام و جایگاه اجتماعی بالا، (۷) مستغلات، (۸) کارگاه / مغازه / کارخانه، (۹) طلا و جواهرات، (۱۰) یخچال فریزر، (۱۱) وسایل برقی آشپزخانه، (۱۲) تلویزیون رنگی (آل ای دی یا آل سی دی)، (۱۳) دستگاه ویدئو یا سی دی، (۱۴) دو چرخه یا موتورسیکلت، (۱۵) دو چرخه یا موتورسیکلت، (۱۶) رایانه، (۱۷) فرش دستباف، (۱۸) جارو برقی، (۱۹) ماشین ظرف‌شویی، (۲۰) ماشین لباس‌شویی، (۲۱) هود، (۲۲) تلفن همراه، (۲۳) مبلتان	(۱) خودرو، (۲) شغل و درآمد بالا، (۳) مقام و جایگاه اجتماعی بالا، (۴) مستغلات، (۵) طلا و جواهرات، (۶) یخچال فریزر، (۷) وسایل برقی آشپزخانه، (۸) تلویزیون رنگی (آل ای دی یا آل سی دی)، (۹) دستگاه ویدئو یا سی دی، (۱۰) دو چرخه یا موتورسیکلت، (۱۱) رایانه، (۱۲) جارو برقی، (۱۳) تلفن همراه
نحوه ایجاد متغیر و دامنه تغییرات		ابتدا، تفاضل نمره ضرورت و نمره مالکیت تک‌تک آیت‌ها بدست آمد. سپس، با دادن وزن به آیت‌های مهم‌تر، تفاضل (فاصله)‌های مثبت با هم جمع شدند. در نهایت، نمره فاصله برای شهر ۲۳ و نمره فاصله برای روستا ۱۴ تقسیم و متغیر نهایی در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. براساس رویه مورد استفاده، حداقل مقدار شاخص (۰) و حداکثر مقدار آن (۰/۸۷) بوده است.	

۳. رفتار و ایده‌آل باروری: باروری به رفتار تجربی، واقعی یا بالفعل فرزندآوری اطلاق می‌شود (سرایی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). ایده‌آل‌های باروری بازنمای آرزوهای خواسته‌های افراد در زندگی فرزندآوری هستند (میلر، ۱۹۹۴: ۲۲۸) و پایه‌های انگیزشی نیات رفتاری یا اهداف فرموله‌شده ازدواج را فراهم می‌آورند (پروگینی و باگوزی، ۲۰۰۱). در این مطالعه، فرزندآوری کنونی (تعداد فرزند زنده به دنیا آمده در دو سال گذشته) و تعداد فرزند ایده‌آل برای زوجین امروزی را مد نظر داشته‌ایم. متغیر اول در دامنه (۰) و (۲)، و متغیر دوم در دامنه (۱) و (۴) قرار داشته است.

۴. ویژگی‌های جمعیتی تحقیق عبارتند از: محل سکونت (شهر، روستا)، سن، سن ازدواج، تحصیلات (بی‌سواد، سوادآموزی و ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دیپلم، دانشگاهی)، وضعیت اشتغال (شاغل و غیر شاغل)، استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی در حال حاضر (بلی، خیر)، زبان مادری (کردی، سایر) و مذهب (سنی، شیعه) که همگی مربوط به زنان مورد مطالعه می‌باشند.

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های تک‌متغیره شامل فراوانی، حداقل و حداکثر مقدار و میانگین برای توصیف متغیرها استفاده شد. سپس در روابط دومتغیره، ابتدا برای مقایسه متغیرهای مستقل و به‌ویژه متغیر وابسته در بین زیرگروه‌های جمعیتی، از آزمون‌های تی مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. در مرحله بعد، برای بررسی رابطه بین متغیرهای نامنی اقتصادی و فاصله بین واقعیات و انتظارات از یک طرف، و متغیرهای

1. Miller

2. Perugini & Bagozzi

وابسته (رفتار و ایده‌آل باروری) از طرف دیگر، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در این آزمون، به محاسبه ضرایب همبستگی مرتبه صفر^۱ و تفکیکی^۲ در دو مرتبه قبل و بعد از کنترل متغیرهای آزمون^۳ اقدام شد. در واقع، به دلیل پیچیده بودن روابط بین متغیرها و به منظور دستیابی به رابطه خالص بین دو متغیر اولیه، همبستگی تفکیکی محاسبه شد. در نهایت، با انجام تحلیل رگرسیون لجستیک^۴ و رگرسیون چندمتغیره^۵ سعی شد با ثابت نگه داشتن تأثیر متغیرهای جمعیتی، اهمیت نسبی تأثیر نامی اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری زنان بررسی شود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی و دومتغیره

جدول ۴، توزیع زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر خانوار را بر حسب ویژگی‌های جمعیتی نشان می‌دهد. بر اساس جدول، ۳۷۷ نفر معادل ۷۰/۵ درصد از زنان نمونه ساکن شهر (سنندج) و ۱۵۷ نفر معادل ۲۹/۵ درصد ساکن روستا بوده‌اند. توزیع زنان بر حسب گروه سنی حاکی از آن است که بیشتر زنان (۶۳/۵ درصد) بالاتر از ۳۴ سال سن داشته‌اند. مطابق با تحلیل داده‌ها (نتایج در اینجا نشان داده نشده است)، میانگین سن زنان در جامعه مورد مطالعه، ۳۷ سال بوده است. مقایسه این رقم با میانگین سن زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر شهرستان سنندج در سرشماری ۱۳۹۰، حاکی از وجود اختلاف به اندازه ۴ سال در بین دو میانگین است (۳۷ سال در برابر ۳۳ سال). به هر صورت، این تفاوت را علاوه بر وجود خطای احتمالی در نمونه‌گیری، می‌توان با این امر توجیه کرد که در پیمایش صورت‌گرفته، مصاحبه با جوانان ۲۹-۱۵ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوار نیز هدف بوده و این امر، در بزرگ‌تر بودن میانگین سنی زنان مورد مطالعه بی‌تأثیر نبوده است.

توزیع زنان بر حسب گروه سنی در ازدواج اول، از دیگر ویژگی‌های ارائه شده در جدول ۴ است. نتایج حاکی از آن است که بیش از نیمی از زنان مورد مطالعه (حدود ۵۷ درصد)، دارای ازدواج‌های زود هنگام (ازدواج در سنین زیر ۲۰ سال) بوده و علی‌رغم تغییرات اجتماعی رخ داده در سال‌های اخیر، احتمال تداوم این نوع ازدواج‌ها همچنان

1. Zero Order
2. Partial Correlation
3. Test Variables
4. Logistic Regression
5. Multiple Regression

نامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج

وجود دارد. برحسب سواد، نتایج نشان دهنده مدارج تحصیلی پایین زنان در جامعه مورد مطالعه است. همان طور که مشاهده می شود، بیش از ۲۰ درصد زنان بی سواد و حدود ۲۵ درصد دارای تحصیلات سوادآموزی یا ابتدایی بوده و حدود نیم دیگر، دارای تحصیلات راهنمایی و بالاتر بوده اند. از نظر وضعیت اشتغال، نتایج مؤید بحث های پیشین، یعنی اشتغال بسیار پایین زنان است. همان طور که مشاهده می گردد، فقط حدود ۱۰ درصد از زنان مورد مطالعه شاغل بوده اند.

از دیگر نتایج جدول، استفاده زنان از روش های پیشگیری از حاملگی است. نتایج حاکی از شیوع بسیار بالای روش های پیشگیری در بین زنان است به طوری که، بیش از ۸۴ درصد در زمان مطالعه از روش های پیشگیری استفاده می کرده اند. نتایج مرتبط با قومیت و مذهب نیز گویای آن است که اکثر زنان مورد مطالعه کُرد و سنی بوده اند.

جدول ۴. توزیع نمونه تحقیق بر حسب ویژگی های جمعیتی

درصد	تعداد	مقره ما	ویژگی های جمعیتی
۷۰/۶	۳۷۷	شهر	محل سکونت
۲۹/۴	۱۵۷	روستا	
۹/۰	۴۸	۱۵-۲۴ سال	گروه سنی
۲۷/۵	۱۴۷	۲۵-۳۴ سال	
۶۳/۵	۳۳۹	+ ۳۵	
۵۶/۹	۳۰۴	زیر ۲۰ سال	گروه سنی درازدواج اول
۳۳/۱	۱۷۷	۲۰-۲۴ سال	
۹/۹	۵۳	+ ۲۵	
۲۰/۶	۱۱۰	بی سواد	تحصیلات
۲۵/۱	۱۳۴	سوادآموزی و ابتدایی	
۱۵/۷	۸۴	راهنمایی	
۱۶/۷	۸۹	دبیرستان و دیپلم	
۲۱/۹	۱۱۷	دانشگاهی	
۹/۹	۵۳	شاغل	وضعیت اشتغال
۹۰/۱	۴۸۱	غیرشاغل	
۸۴/۳	۴۵۰	بلی	استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی در حال حاضر
۱۵/۷	۸۴	خیر	
۹۵/۳	۵۰۹	کردی	زبان مادری
۴/۷	۲۵	سایر	
۸۸/۴	۴۷۲	سننی	مذهب
۱۱/۶	۶۲	شیعه	
۱۰۰/۰	۵۲۴		جمع

منبع: پیمایش رفتار و ایده آل های باروری سنندج، ۱۳۹۳

به‌طور خلاصه، نتایج جدول ۴ به‌ویژه سنین پایین در ازدواج اول، تحصیلات پایین و عدم اشتغال به‌کار اکثریت زنان مورد مطالعه حاکی از ویژگی‌های نسبتاً سنتی آنان است. با این‌وجود، پدیده قابل توجه میزان شیوع بالای استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی در بین آنان است.

در جدول ۵، میانگین، حداقل و حداکثر مقدار متغیرهای مستقل و وابسته در خانوارهای مورد مطالعه برحسب منطقه آمده است. ابتدا، نتایج نشان می‌دهد که در کل خانوارهای مورد مطالعه ناامنی اقتصادی نسبتاً بالاست. برحسب سکونت نتایج حاکی است که در نقاط شهری میانگین ناامنی اقتصادی عینی خانوارها بیشتر از میانگین متناظر برای نقاط روستایی است و این تفاوت به‌لحاظ آماری معنی‌دار است ($\text{Sig.} = 0.008$). طبق انتظار نیز میانگین احساس ناامنی اقتصادی در شهر بیشتر از میانگین متناظر برای هم‌تایان ساکن در روستا بوده و تفاوت آن‌ها از نظر آماری معنی‌دار است ($\text{Sig.} = 0.013$). دوم، می‌توان گفت که در خانوارهای مورد مطالعه، فاصله بین انتظارات و واقعیت‌های اقتصادی پیش‌روی افراد نسبتاً زیاد است، هرچند که نمی‌توان درباره تفاوت‌های شهری-روستایی به‌صراحت سخن گفت، زیرا معیارهای سنجش آن دو تعدیل شده است.

سرانجام، اطلاعات مرتبط با باروری نشان می‌دهد که نخست، میانگین تعداد فرزند زنده به‌دنیا آورده در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری است ($2/8$ در برابر $2/4$ فرزند). دوم، میانگین تعداد فرزند ایده‌آل برای زنان پاسخگو اعم از شهری و روستایی در زمان تحقیق (به‌ترتیب $2/4$ و $2/6$ فرزند) کمتر از تعدادی است که در هنگام ازدواج (به‌ترتیب $2/8$ و $2/7$ فرزند) مد نظر داشته‌اند. این امر نشان‌دهنده تثبیت واقعیت فرزندآوری نسبتاً پایین در جامعه مورد مطالعه از یک‌طرف، و تغییر نگرش زنان و یا تغییر ایده خانواده‌ها در مورد فرزندآوری از طرف دیگر، می‌باشد. همچنین، تفاوت‌های شهری-روستایی موجود در میانگین زنده‌زایی طول عمر، میانگین زنده‌زایی در ۶ سال گذشته و میانگین نگرش زنان به تعداد فرزند ایده‌آل در زمان کنونی از نظر آماری معنی‌دار است.

نامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج

جدول ۵. میانگین، حداقل و حداکثر مقدار متغیرهای مستقل و وابسته در خانوارهای مورد مطالعه بر حسب منطقه

کل	روستایی			شهری			متغیرهای مستقل وابسته	نامنی اقتصادی	
	حداکثر	حداقل	میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین			
۱۸/۹۵	۵/۷۵	۱۲/۴	۱۷/۰	۷/۱۵	۱۱/۹	۱۸/۹۵	۵/۷۵	۱۲/۶	عینی**
۸۲/۷۵	۱۹/۶	۴۹/۵	۶۹/۲۳	۲۳/۸۵	۴۷/۴	۸۲/۷۵	۱۹/۶	۵۰/۴	ذهنی*
۰/۸۷	۰	۰/۳۵	۰/۶۴	۰	۰/۳۰	۰/۸۷	۰/۱۳	۰/۳۷	فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی
۱۰	۰	۲/۵۱	۱۰	۰	۲/۷۷	۱۰	۰	۲/۴۱	تعداد فرزند زنده به دنیا آورده ^a
۹	۰	۲/۷۹	۹	۱	۲/۷۳	۹	۰	۲/۸۱	تعداد فرزند ایده‌آل در زمان ازدواج ^b
۴	۱	۲/۴۴	۴	۱	۲/۶۲	۴	۱	۲/۳۷	تعداد فرزند ایده‌آل در زمان کنونی ^c
۲	۰	۰/۳۴	۲	۰	۰/۴۵	۲	۰	۰/۳۰	تعداد فرزند زنده به دنیا آورده در ۶ سال گذشته ^d
۲	۰	۰/۲۰	۲	۰	۰/۲۴	۲	۰	۰/۱۸	تعداد فرزند زنده به دنیا آورده در ۲ سال گذشته ^e

تفاوت‌های شهری - روستایی: **معنی دار در سطح ۱ درصد، *معنی دار در سطح ۵ درصد، Ns غیر معنی دار

جدول ۶، آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را در دو مرتبه قبل و بعد از کنترل متغیرهای آزمون نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی ضرایب همبستگی مرتبه صفر (رابطه بین متغیرها قبل از کنترل آماری) از نظر آماری معنی دار است. به عبارت دیگر، نتایج جدول گویای آن است که بین نامنی اقتصادی و فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی خانوار با رفتار و ایده‌آل باروری زنان خانوار رابطه معکوس وجود دارد و شدت این روابط در حد متوسط است. نتایج بعدی جدول ۶، مربوط به همبستگی‌های تفکیکی است. در مطالعه حاضر، ابتدا به محاسبه ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیرهای نامنی اقتصادی و رفتار و ایده‌آل باروری با کنترل همزمان متغیرهای مهم یعنی فاصله بین انتظارات و واقعیات، محل سکونت، سن و تحصیلات زنان، و در مرحله بعد، به محاسبه ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیرهای فاصله بین انتظارات و واقعیات و رفتار و ایده‌آل باروری با کنترل همزمان متغیرهای نامنی اقتصادی، محل سکونت، سن و تحصیلات زنان پرداختیم. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، تمامی ضرایب همبستگی تفکیکی بین متغیرهای نامنی اقتصادی و رفتار و ایده‌آل باروری زنان پس از کنترل متغیرها در سطح یک درصد معنی دار باقی مانده و نتایج بیانگر تبیین جزئی متقدم است. به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه تأثیر متغیرهای نامنی اقتصادی واقعی است، بلکه هم به صورت مستقل و هم در ترکیب با متغیرهای دیگر بر رفتار و ایده‌آل باروری زنان تأثیر دارد.

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران

جدول ۶. همبستگی مرتبه صفر و تفکیکی بین متغیرهای مستقل و رفتار و ایده‌آل باروری زنان- شهرستان

سنندج، ۱۳۹۳

تشریح نتایج	همبستگی تفکیکی	متغیرهای کنترل	همبستگی مرتبه صفر	متغیر وابسته	متغیر مستقل	
تبیین جزئی متقدم***	-۰/۲۷۹**	فاصله بین انتظارات و واقعیات،	-۰/۳۲۲**	تعداد فرزندآوری کنونی	عینی	فصلی
	-۰/۲۳۴**		-۰/۳۲۰**			
	-۰/۱۱۶**	محل سکونت، سن، تحصیلات	-۰/۳۴۸**	تعداد فرزند ایده‌آل در زمان کنونی	عینی	فصلی
	-۰/۲۳۹**		-۰/۴۴۰**			
	-۰/۱۱۲**	ناامنی اقتصادی عینی و ذهنی،	-۰/۲۷۱**	تعداد فرزندآوری کنونی	فاصله بین انتظارات و واقعیات	
	-۰/۱۰۲*	محل سکونت، سن، تحصیلات	-۰/۳۸۱**	تعداد فرزند ایده‌آل در زمان کنونی		

** آزمون همبستگی پیرسون معنی‌دار در سطح ۱ درصد، * معنی‌دار در سطح ۵ درصد
*** تبیین جزئی متقدم (Preceding Partial Explanation) زمانی اتفاق می‌افتد که یک مسیر مستقیم از متغیر مستقل به متغیر وابسته وجود داشته باشد، اما در عین حال متغیر(های) کنترل نیز یک علت متقدم و یا مداخله‌گراست. در چنین حالتی، مقدار همبستگی تفکیکی (در مقایسه با همبستگی اولیه) تاندازه‌ای کوچک‌تر شده و به سمت صفر میل می‌کند (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۴۶۷).

به‌طور خلاصه، نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در خانوارهایی که به‌ویژه با ناامنی اقتصادی بالاتر و فاصله بیشتر بین واقعیات و انتظارات اقتصادی مواجه هستند، احتمالاً رفتار فرزندآوری پایین‌تر است و زنان آن خانوارها، احتمالاً فرزندان کمتری را به‌عنوان ایده‌آل مد نظر دارند و برعکس.

در جدول ۷، رفتار و ایده‌آل باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله برحسب ویژگی‌های جمعیتی همراه با تفاوت یا عدم تفاوت آماری آن‌ها آمده است. برحسب محل سکونت، نتایج نشان می‌دهد که میانگین فرزندآوری کنونی زنان روستایی (۰/۲۴ فرزند) از هم‌تایان شهری شان (۰/۱۸ فرزند) بیشتر است. علاوه بر این، میانگین تعداد فرزند ایده‌آل آنان در زمان تحقیق ۲/۶ در برابر ۲/۴ فرزند برای زنان شهری می‌باشد. به‌طور خلاصه، رفتار و ایده‌آل باروری زنان برحسب محل سکونت متفاوت و معنی‌دار است.

نتایج رفتار و ایده‌آل باروری زنان برحسب سن جالب توجه است. بیشترین باروری کنونی (فرزندآوری دو سال اخیر) مربوط به زنان ۲۴-۱۵ و ۳۴-۲۵ ساله است. در واقع، در دو سال اخیر، زنان جوان‌تر باروری بیشتری را تجربه کرده‌اند. اما در زمینه ایده‌آل باروری، نتایج برعکس است به طوری که، زنان مسن‌تر ایده‌آل باروری بالاتری دارند. به‌عنوان مثال،

از نظر زنان ۳۵ ساله و بالاتر میانگین تعداد فرزند ایده‌آل برای یک زوج در حال حاضر، ۲/۶ فرزند و رقم متناظر برای زنان ۲۴-۱۵ ساله حدود ۲ فرزند است. بدین ترتیب، رفتار و ایده‌آل باروری برحسب سن متفاوت است، به طوری که زنان جوان‌تر در دو سال اخیر باروری بیشتری را تجربه کرده‌اند اما، ایده‌آل باروری آن‌ها پایین‌تر از زنان پا به سن گذاشته است. نتایج باروری برحسب سن زنان در ازدواج اول نشان می‌دهد که از یک طرف، زنانی که در سنین بالاتر از ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند، در دو سال اخیر فرزندآوری بیشتری را تجربه کرده‌اند و تفاوت‌های بین‌گروهی از نظر آماری معنی‌دار است. از طرف دیگر، بین سن در ازدواج اول و میانگین تعداد فرزند ایده‌آل در زمان حاضر رابطه معکوس و معنی‌دار دیده می‌شود. به عبارت دیگر، زنانی که تجربه ازدواج زود هنگام را دارا هستند میانگین فرزند بیشتری را به عنوان ایده‌آل در نظر دارند و احتمالاً آن‌ها زنانی هستند که از ویژگی‌های سنتی‌تری برخوردارند.

برحسب سواد، نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که بیشترین فرزندآوری کنونی را زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر تجربه کرده‌اند. به هر صورت، از نظر باروری کنونی برحسب سطح تحصیلات تفاوت‌های معنی‌داری مشاهده می‌شود. رابطه بین سطح تحصیلات و میانگین تعداد فرزند ایده‌آل در زمان تحقیق هم، معکوس و معنی‌دار است. به عبارت دیگر، هر چه سطح سواد پایین‌تر است تعداد فرزند بیشتری به عنوان ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود و بالعکس، ولی تفاوت فرزند ایده‌آل برحسب سواد و سطح تحصیلات اندک است. به عنوان مثال، میانگین تعداد فرزند ایده‌آل از نظر زنان بی‌سواد ۲/۸ فرزند و از نظر زنان دارای تحصیلات متوسطه یا دانشگاهی ۲/۴ فرزند می‌باشد.

طبق نتایج جدول، میانگین فرزندآوری اخیر و ایده‌آل فرزندآوری زنان شاغل و غیر شاغل بسیار شبیه بوده و از نظر آماری تفاوت معنی‌داری ندارد. فرزندآوری کنونی زنان مورد مطالعه برحسب کاربرد وسایل پیشگیری از حاملگی متفاوت و معنی‌دار است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، طبق انتظار زنانی که در حال حاضر از وسایل پیشگیری از حاملگی استفاده می‌کنند، باروری بیشتری را در دو سال اخیر تجربه کرده‌اند. در نهایت، اگرچه زنان گُرد و سُنی در مقایسه با دیگر زنان، فرزندآوری بیشتری را تجربه کرده‌اند و برعکس آن، زنان غیرگُرد و شیعه ایده‌آل فرزندآوری بالاتری دارند، اما تفاوت‌های موجود برحسب زبان مادری و مذهب، از نظر آماری معنی‌دار نیست.

در جمع‌بندی نتایج جدول ۷، می‌توان گفت که عملکرد و ایده‌آل باروری زنان جامعه مورد مطالعه برحسب برخی ویژگی‌های جمعیتی متفاوت و معنی‌دار است؛ اول، زنان

نامه انجمن جمعیت شناسی ایران

روستایی رفتار و ایده آل باروری بالاتری داشته‌اند. دوم، زنان جوان باروری بیشتری را تجربه کرده‌اند، اما ایده آل باروری شان در مقایسه با زنان مسن‌تر پایین‌تر است. سوم، زنان دارای مدارج تحصیلی بالا بیشترین عملکرد باروری را تجربه کرده‌اند، و اما رابطه بین سطح سواد و ایده آل باروری معکوس بوده است. در نهایت، زنان دارای تجربه ازدواج دیرهنگام باروری کنونی بالاتری داشته‌اند، اما آن‌هایی که زودتر ازدواج کرده‌اند ایده آل باروری بالاتری داشته‌اند.

جدول ۷. رفتار و ایده آل باروری نمونه تحقیق برحسب ویژگی‌های جمعیتی- اجتماعی- شهرستان سنندج،

۱۳۹۳

ویژگی‌های جمعیتی- اجتماعی	میانگین تعداد فرزندآوری کنونی	میانگین تعداد فرزند ایده آل در زمان کنونی
شهری	۰/۱۸	۲/۳۷
روستایی	۰/۲۴	۲/۶۲
کل	۰/۲۰	۲/۴۴
آزمون معنی داری	معنی دار در سطح ۵ درصد	معنی دار در سطح ۱ درصد
۱۵-۲۴	۰/۳۹	۱/۹۶
۲۵-۳۴	۰/۳۷	۲/۲۴
+ ۳۵	۰/۰۹	۲/۶۰
معنی داری	معنی دار در سطح ۱ درصد	معنی دار در سطح ۱ درصد
زیر ۲۰ سال	۰/۱۴	۲/۵۳
۲۰-۲۴ سال	۰/۲۷	۲/۳۴
+ ۲۵	۰/۲۴	۲/۳۰
معنی داری	معنی دار در سطح ۱ درصد	معنی دار در سطح ۵ درصد
بی سواد	۰/۰۴	۲/۷۶
سوادآموزی و ابتدایی	۰/۱۹	۲/۴۷
راهنمایی	۰/۱۷	۲/۱۸
متوسطه و دیپلم	۰/۳۴	۲/۳۷
دانشگاهی	۰/۲۷	۲/۳۷
معنی داری	معنی دار در سطح ۱ درصد	معنی دار در سطح ۱ درصد
شاغل	۰/۲۲	۲/۴۱
غیر شاغل	۰/۱۹	۲/۴۵
معنی داری	غیر معنی دار	غیر معنی دار
بلی	۰/۲۲	۲/۴۶
خیر	۰/۰۸	۲/۳۴
معنی داری	معنی دار در سطح ۱ درصد	غیر معنی دار
گودی	۰/۲۰	۲/۴۳
سایر	۰/۱۲	۲/۷۶
معنی داری	غیر معنی دار	غیر معنی دار
سنی	۰/۲۰	۲/۴۱
شیعه	۰/۱۸	۲/۶۸
معنی داری	غیر معنی دار	معنی دار در سطح ۵ درصد

یافته‌های چندمتغیره

هدف از انجام تحلیل چندمتغیره داده‌ها آن است که با ثابت نگه داشتن تأثیر متغیرهای جمعیتی، اهمیت نسبی تأثیر نامی اقتصادی خانوار بر رفتار و ایده‌آل باروری زنان بررسی شود. در ادامه، نتایج این تحلیل به‌طور جداگانه برای تحلیل رفتار و ایده‌آل باروری ارائه می‌شود. متغیر رفتار باروری کنونی در دامنه (۰) و (۲) قرار داشت. اما با توجه به اینکه تعداد زنان دارای دو فرزند زنده به دنیا آمده در دو سال گذشته بسیار ناچیز (فقط ۶ نفر) بود، این افراد از تحلیل کنار گذاشته شده و با قرار گرفتن متغیر در دامنه (۰) و (۱)، برای تحلیل رفتار باروری کنونی زنان از رگرسیون لجستیک دو وجهی استفاده شد. رگرسیون لجستیک یک تکنیک آماری است که به کمک آن می‌توان عوامل پیش‌بینی کننده تغییرات یک متغیر اسمی را شناسایی کرد. در واقع، با این تکنیک می‌توان به پیش‌بینی عضویت در گروه پرداخت نه پیش‌بینی خود نمره (بریس، کمپ و سنلگار، ۱۳۸۴: ۳۴۱). در اینجا، از تکنیک رگرسیون لجستیک برای پاسخ به این سؤال بهره برده‌ایم که «چرا برخی از زنان در دو سال اخیر فرزند به دنیا آورده‌اند و برخی از آنان این تجربه را نداشته یا ندارند؟». متغیرهای پیش‌بین (عوامل مؤثر بر رفتار باروری) وارد شده در تحلیل عبارتند از: شاخص نامی اقتصادی عینی و ذهنی، شاخص فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی، و مشخصه‌های جمعیتی شامل: سن زنان، سن زنان در ازدواج اول، محل سکونت، تحصیلات زنان و استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی در حال حاضر. عناصر و آماره‌های نکوتی برازش رگرسیون لجستیک رفتار باروری (نتایج در اینجا نشان داده نشده است) از جمله آزمون اومنی بوس^۱ نشان داد که برازش مدل قابل قبول بوده و در سطح خطای کوچک‌تر از یک درصد معنی دار است. همچنین، آماره‌های لگاریتم درست‌نمایی^۲ و ضریب تعیین پزودو^۳ شامل ضریب تعیین کاکس و نل^۴ و ضریب تعیین نیجل کرک^۵ نشان داد که متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل توانسته‌اند بین حدود ۳۱ تا ۵۱/۵ درصد از تغییرات فرزندآوری را توضیح دهند. در جدول ۸، نسبت‌های برتری^۶ تجربه فرزندآوری زنان ۴۹-۱۵ ساله خانوار برحسب

1. Omnibus Test
2. Log likelihood
3. Pseudo R Square
4. Cox & Snell R Square
5. Nagelkerke R Square
6. Odds Ratio

متغیرهای وارد شده در تحلیل آمده است. نسبت‌های برتری یا نسبت بخت‌ها، احتمال وقوع یک پدیده به احتمال عدم وقوع آن می‌باشد و عبارت است از تغییر پیش‌بینی شده یا مورد انتظار در بخت‌ها به ازای یک واحد افزایش در متغیر مستقل. این نسبت، معادل ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) در رگرسیون خطی می‌باشد. موقعی که نسبت‌های برتری کوچک‌تر از ۱ باشد، بدان معنی است که با افزایش مقادیر متغیر مستقل، احتمال وقوع پدیده کاهش می‌یابد (اثر مثبت)، و برعکس موقعی که نسبت‌های برتری بزرگ‌تر از عدد ۱ باشد، بدان معناست که با افزایش مقادیر متغیر مستقل، احتمال وقوع پدیده افزایش می‌یابد (اثر منفی) (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۷۳۰).

جدول ۸. نسبت برتری تجربه فرزندآوری زنان ۴۹-۱۵ ساله در دو سال اخیر برحسب میزان ناامنی اقتصادی و متغیرهای جمعیتی

آماره						متغیرهای مستقل و کنترل	
Exp(B)	Sig.	df	Wald	S.E.	B		
۰,۸۸۵	۰,۰۰۰	۱	۵۱,۰۴۷	۰,۰۱۷	-۰,۱۲۲	سن زن	مدل ۱
۱۳,۸۱۳	۰,۰۰۰	۱	۲۱,۶۶۰	۰,۵۶۴	۲,۶۲۶		مقدار ثابت
۰,۴۹۲	۰,۰۰۰	۱	۶۱,۱۸۲	۰,۰۹۱	-۰,۷۰۹	ناامنی اقتصادی عینی	مدل ۲
۰,۸۱۲	۰,۰۰۰	۱	۷۱,۰۰۴	۰,۰۲۵	-۰,۲۰۸	سن زن	
۴۰۷۳۲,۷۴۵	۰,۰۰۰	۱	۶۹,۳۴۹	۱,۲۷۵	۱۰,۶۱۵		مقدار ثابت
۰,۶۲۹	۰,۰۰۰	۱	۱۶,۱۲۳	۰,۱۱۵	-۰,۴۶۳	ناامنی اقتصادی عینی	مدل ۳
۰,۹۳۹	۰,۰۰۲	۱	۹,۳۳۵	۰,۰۲۱	-۰,۰۶۳	ناامنی اقتصادی ذهنی	
۰,۸۱۲	۰,۰۰۰	۱	۶۹,۷۷۶	۰,۰۲۵	-۰,۲۰۸	سن زن	
۵۲۲۶۳,۱۸۸	۰,۰۰۰	۱	۷۱,۰۸۲	۱,۲۸۹	۱۰,۸۶۴		مقدار ثابت

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که از کل متغیرهای وارد شده در تحلیل، تنها سه متغیر ناامنی اقتصادی عینی، ناامنی اقتصادی ذهنی و سن زنان در مدل سوم معنی‌دار بوده و تأثیر هر سه متغیر مثبت است. به عبارت دیگر، افزایش ناامنی اقتصادی و سن زنان کاهش احتمال فرزندآوری را در پی دارد. نکته مهم آن است که بعد از کنترل متغیرهای جمعیتی، تأثیر متغیرهای ناامنی اقتصادی بر رفتار باروری در مدل نهایی همچنان معنی‌دار باقی مانده و حاکی از تأثیر و اهمیت آن برای عملکرد باروری زنان مورد مطالعه است.

در این قسمت، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره ایده‌آل باروری ارائه و تشریح می‌گردد. متغیرهای وارد شده در این تحلیل عبارتند از: ۱- شاخص ناامنی اقتصادی عینی و ذهنی در مقیاس فاصله‌ای (مرحله اول)، ۲- شاخص فاصله بین انتظارات و واقعیات

در مقیاس فاصله‌ای، و ویژگی‌های جمعیتی زنان شامل ۵ متغیر اصلی: محل سکونت (شهر، روستا به ترتیب با کدهای تصنعی ۰ و ۱)، سن (مقیاس فاصله‌ای)، سن در ازدواج اول (مقیاس فاصله‌ای)، تحصیلات با کدهای تصنعی (بی سواد ۰، دیگر وضعیت‌ها ۱- سوادآموزی و ابتدایی ۰، دیگر وضعیت‌ها ۱- راهنمایی ۰، دیگر وضعیت‌ها ۱- دبیرستان و دیپلم ۰، دیگر وضعیت‌ها ۱) و مذهب (سُنی، شیعه به ترتیب با کدهای تصنعی ۰ و ۱) (مرحله دوم).

جدول ۹، برآیند و خروجی رگرسیون چندمتغیره ایده‌آل باروری کنونی زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر خانوار را که به روش گام‌به‌گام^۱ انجام شده است نشان می‌دهد. طبق نتایج جدول، در مرحله اول که متغیرهای نامنی اقتصادی وارد تحلیل شده‌اند، تنها متغیر نامنی اقتصادی ذهنی در مدل معنی‌دار بوده و به تنهایی توانسته است ۲۰ درصد از تغییرات ایده‌آل باروری را تبیین کند. در مرحله دوم که ۹ متغیر دیگر به مرحله اول اضافه شده، تحلیل تا شش گام پیش رفته است. به عبارت دیگر، از مجموع ۱۱ متغیر وارد شده در تحلیل، ۶ متغیر در مدل باقی مانده است. این ۶ متغیر حدود ۲۹ درصد از تغییرات ایده‌آل باروری را توضیح داده و به ترتیب اهمیت تأثیر عبارت‌اند از: نامنی اقتصادی ذهنی، سن، محل سکونت، مذهب، فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی و تحصیلات. در این میان، جهت تأثیر متغیرهای نامنی اقتصادی ذهنی، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و سطح تحصیلات بر ایده‌آل باروری در جهت منفی می‌باشد. یعنی، بیشتر بودن نامنی اقتصادی ذهنی، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی، و سطح تحصیلات دانشگاهی، با ایده‌آل باروری پایین‌تر برای زنان همراه است و برعکس. از طرف دیگر، تأثیر متغیرهای سن، محل سکونت و مذهب بر تعداد فرزند ایده‌آل در جهت مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر، زنان مسن‌تر، ساکن روستا و متعلق به مذهب تشیع در مقایسه با زنان جوان، ساکن شهر و متعلق به مذهب تسنن تعداد فرزند بالاتری را به عنوان ایده‌آل مد نظر داشته‌اند.

جدول ۹. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره درباره عوامل مؤثر بر ایده‌آل باروری

مرحله دوم					مرحله اول					عناصر رگرسیون و متغیرها	
Sig.	t	S.E	Beta	B	Sig.	t	S.E	Beta	B		
۰/۰۰۰	۱۳/۷۵۸	۰/۲۱۰	-	۲/۸۹۶	۰/۰۰۰	۳۴/۳۲۸	۰/۱۰۱	-	۳/۴۶۵	مقدار ثابت	
۰/۰۰۰	-۵/۳۶۹	۰/۰۰۳	-۰/۲۹۲	-۰/۱۹	۰/۰۰۰	-۱۰/۶۲۹	۰/۰۰۳	-۰/۴۴۹	-۰/۰۲۹		نامنی اقتصادی ذهنی
۰/۰۰۰	۴/۰۶۳	۰/۰۰۵	۰/۱۹۶	۰/۱۹							سن زن
۰/۰۰۰	۳/۸۱۲	۰/۰۷۵	۰/۱۶۹	۰/۲۸۶							محل سکونت (روستا گروه مرجع)
۰/۰۰۱	۳/۲۴۳	۰/۱۰۸	۰/۱۳۵	۰/۳۴۹							مذهب (شبهه گروه مرجع)
۰/۰۱۴	-۲/۴۶۶	۰/۰۹۰	-۰/۱۱۲	-۰/۲۲۱							سطح تحصیلات (تحصیلات دانشگاهی گروه مرجع)
۰/۰۳۱	-۲/۱۶۶	۰/۰۰۹	-۰/۱۲۰	-۰/۰۲۰						فاصله بین انتظارات و واقعیات	
		۰/۵۴۴						۰/۴۴۹		ضریب همبستگی چندگانه (R)	
		۰/۲۹۶						۰/۲۰۱		ضریب تعیین (R ²)	
		۰/۲۸۶						۰/۲۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده (R ² .Adj)	
		۰/۶۸۳						۰/۷۲۳		خطای معیار (S.E)	
		۳۰۹۸۵						۱۱۲/۹۶۷		تحلیل واریانس (ANOVA)	
		۰/۰۰۰						۰/۰۰۰		سطح معنی داری (Sig.)	

در این تحلیل هم، نکته مهم آن است که بعد از کنترل متغیرهای جمعیتی- اجتماعی، تأثیر متغیر نامنی اقتصادی ذهنی بر ایده‌آل باروری کنونی در مدل نهایی همچنان معنی دار باقی مانده و دارای قوی‌ترین تأثیر بر متغیر وابسته بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تأثیر نامنی اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری کنونی زنان دارای همسر خانوار در شهرستان سنندج بررسی شد. زمینه ورود به این موضوع از آنجا شکل گرفت که در ادبیات جدید باروری، به نقش بی‌بدیل زمینه‌ها و شرایط اقتصادی جامعه به خصوص نامنی اقتصادی، در شکل بخشیدن به باروری پایین تأکید شده است. جامعه ایران در چند سال گذشته مشابه با بسیاری از مناطق دنیا با مسائل و تنگناهای اقتصادی فراوانی از قبیل تورم، بیکاری، افزایش هزینه‌های زندگی و ... مواجه شده، و به نظر می‌رسد که این شرایط استان محروم و کم‌برخوردار کردستان را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داده و بر برنامه‌های باروری خانواده‌ها اثرگذار بوده باشد. لذا سؤال مطالعه حاضر آن بود که رفتار و ایده‌آل فرزندآوری زنان دارای همسر خانوار شهرستان سنندج چگونه است؟ و تا چه حد با شرایط اقتصادی حاکم بر خانوار قابل تبیین است؟

چارچوب نظری مطالعه، برگرفته از رویکرد تبیین‌های ساختاری و تاحدودی تغییرات ایده‌ای است. در این چارچوب، تأکید محوری بر روی نامنی اقتصادی (نظریه اجتناب از خطر) و تغییر انتظارات اقتصادی افراد (نظریه فاصله بین منابع و انتظارات اقتصادی) قرار

دارد. طبق این نظریه‌ها، تحت تأثیر تغییرات وسیع اجتماعی ناشی از فرایند جهانی شدن و افزایش دستاوردهای نوسازی، و همچنین، نظام سرمایه‌داری جدید، از طرفی انتظارات و توقعات در زندگی بالا رفته، از طرف دیگر، امنیت اقتصادی افراد پایین آمده است. لذا زمانی که افراد منابع پیش‌روی خود برای برآوردن انتظارات اقتصادی خانواده را محدود ببینند، سعی می‌کنند با محدود کردن بُعد خانواده به انتظارات متعارف خود جامه عمل بپوشند. در واقع، تحت شرایطی که انتظارات و توقعات خانواده‌ها بسیار بالا رفته، ولی ثبات و دوام اقتصادی به حداقل خود رسیده و نامنی اقتصادی در سراسر زندگی شغلی مشهود است، افراد تحت یک مکانیسم مدیریت رفتاری، به جای فرزندآوری (بیشتر)، سعی می‌کنند با دستیابی به مراتب تحصیلی بالاتر و شرایط اقتصادی باثبات‌تر، از ریسک فرزندآوری و فرزندآوری بیشتر اجتناب ورزند. البته، در پذیرش این‌گونه رفتارها، عوامل و ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی - فرهنگی افراد تعدیل‌کننده خواهد بود.

یافته‌های این مطالعه حاکی از رفتار باروری پایین در بین زنان نمونه از یک طرف، و تأثیر معنی‌دار متغیرهای اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری از طرف دیگر، بود. به عبارت دیگر، زنان در خانوارهایی که با نامنی اقتصادی بالاتر و فاصله بیشتری در بین واقعیات و انتظارات اقتصادی خود مواجه بوده‌اند، فرزندآوری پایین‌تری را تجربه کرده و فرزندان کمتری را به عنوان ایده‌آل مد نظر داشته‌اند. در تحلیل چندمتغیره داده‌ها با کنترل همزمان سایر متغیرهای جمعیتی، تأثیر معنی‌دار متغیرهای نامنی اقتصادی بر رفتار و ایده‌آل باروری همچنان باقی ماند. البته، برخی از متغیرهای جمعیتی همچون محل سکونت، سن، تحصیلات و مذهب تعدیل‌کننده این روابط بوده‌اند.

نتایج این مطالعه با بسیاری از بنیان‌های نظری، به‌ویژه نظریه اجتناب از خطر همسویی دارد. جامعه امروز ایران به‌طور کلی، و استان کردستان و شهرستان سنندج به‌طور خاص، یک جامعه شهری شده است. عناصر نوسازی در این جامعه به‌شدت گسترش یافته است. آگاهی افراد از طریق تحصیلات و همچنین، ارتباطات افزایش یافته است. بنابراین، انتظارات و توقعات هم تغییر کرده و بسیار بالا رفته است. اما، واقعیات هم‌مطراز با انتظارات نیست و منابع در اختیار خانواده‌ها و افراد برای برآوردن خواسته‌ها و تمایلات تغییر یافته‌شان بسیار محدود است. در واقع، علاوه بر تغییر انتظارات، مسائل فراوان اقتصادی جامعه مانند بیکاری، گرانی، رکود و ... به‌شدت احساس نامنی و نگرانی اقتصادی افراد را بالا برده است. لذا، در این شرایط احتمال بیشتری دارد که خانواده‌ها به تأخیر فرزندآوری و فرزندآوری کم‌تر، مبادرت ورزند.

یافته‌های مطالعه با برخی از مطالعات تجربی هم‌سنخ خود در خارج از کشور و مطالعات اخیر داخلی نیز همسویی دارد. در ایتالیا، فیوری و همکارانش (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که در شکل دادن به نیات کوتاه‌مدت باروری نظریه اجتناب از خطر غالب‌تر می‌باشد. حال آنکه، در شکل‌گیری نیات طول عمر باروری نظریه کنش ترکیبی بیشتر صدق می‌کند. لیتابلیرو و سالیس^۱ (۲۰۱۳) نیز، در مطالعه خود در زمینه تأثیر ناامنی اقتصادی بر تشکیل خانواده و باروری در میان جوانان آلمان و فرانسه، ضمن اذعان به تأثیر بی‌بديل ناامنی اقتصادی بر تشکیل خانواده و باروری به‌ویژه در آلمان، در مقایسه دو جامعه نظریه کنش ترکیبی مبنی بر نقش تعدیل‌کنندگی نهادهای اجتماعی و فرهنگی را تأیید کردند. اگرچه مطالعه حاضر نیات و مقاصد بلندمدت باروری را بررسی نکرده است، اما یافته‌های رفتار و ایده‌آل باروری کنونی و تأثیرپذیری آن‌ها از شرایط فعلی اقتصادی هم‌راستا با نتایج مطالعات یاد شده است.

نتایج این مطالعه نشان داد که زنان به‌صورت میانگین، تعداد ۲/۴ فرزند را برای زوجین امروزی ایده‌آل می‌دانند. این رقم بالاتر از نرخ باروری کنونی در کردستان و بالاتر از نرخ باروری جانشینی است. بنابراین، توجه به نیازهای اقتصادی زوجین به‌طور قطع می‌تواند در افزایش فرزندآوری در حد تمایلات خانواده‌ها نقش داشته باشد. مودنا، راندینلی و ساباتینی^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه خود موضوعی شبیه به بحث فوق را در ایتالیا پیش کشیده و شکاف ایده‌آل و رفتار باروری را به مسائل اقتصادی رودرروی جوانان ربط داده و آن را با نظریه اجتناب از خطر تبیین کرده‌اند. در ایران نیز، محمودیان، محمدپور و رضائی (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیدند که در تفاسیر مردم کردستان در مورد دلایل کم‌فرزندآوری، به نکاتی چون مشکلات تورم، هزینه‌های بالای زندگی، مشکلات تأمین نیازهای زندگی روزانه خانواده و ملزومات فرزندان، بیکاری، و همچنین مخاطرات و مشکلات رودرروی خانواده‌ها اشاره شده است. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که یکی از اهداف خانواده‌ها از کم‌فرزندآوری، مدیریت و اجتناب از بسیاری از این چالش‌هاست. شیدانی (۱۳۹۲) نیز، در مطالعه خود به تأثیر معنی‌دار متغیرهای اقتصادی از قبیل فقدان درآمد کافی، ناامنی شغلی و اعتقاد به وضعیت بد اقتصادی کشور بر روی گرایش به تعداد فرزند کمتر در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر ساکن تهران دست یافت. معینی و همکارانش (۲۰۱۴)؛ (۱۳۹۱) نیز، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که بالاتر بودن سرانه حقیقی مخارج

1. Letablier & Salles

2. Modena, Rondinelli & Sabatini

تحصیلی خانواده و بالاتر بودن هزینه اجاره مسکن، از مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر باروری در ایران است. به‌طور خلاصه آن‌ها در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای اقتصادی یاد شده در هر دو سطح خانواده و استان، از عوامل مهم مؤثر بر عدم تقاضای فرزند دوم در خانواده‌های ایرانی است. بنابراین، نتایج مطالعه حاضر از جهات زیادی با نتایج مطالعات داخلی همسومی باشد.

به‌عنوان نتیجه، اشاره به این نکته مهم لازم است که در ایران و از جمله در کردستان، خانواده و فرزندآوری از استحکام نسبی برخوردار است (سرای، ۱۳۹۴: ۱۱). اما از سویی، تشکیل خانواده برای جوانان بسیار دشوار شده است. جوانان، به دلیل بیکاری و به‌ناچار ماندن در تحصیلات، اشتغال موقت و - حتی در صورت اشتغال - عدم امنیت شغلی و نامطمئن بودن از آینده، اغلب ازدواج را تا زمان رسیدن به یک موقعیت امن و باثبات اقتصادی به تأخیر می‌اندازند. از سوی دیگر، به‌علت غالب بودن الگوی خانوادگی نان‌آور مرد در جامعه، در صورت تشکیل خانواده، درآمد ناکافی و ناامنی اقتصادی مرد مانعی برای تحقق یافتن باروری هم به‌شمار می‌رود. در واقع، شرایط سخت اقتصادی هم باعث تأخیر در ازدواج، و هم در خود ازدواج موجب تأخیر در فرزندآوری می‌گردد. علاوه بر این، تحت تأثیر تحولات جهانی شدن و گسترش فرایند مدرنیزاسیون، آرمان‌های شخصی برای رسیدن به رفاه افزایش یافته و زوجین جوان عقیده دارند که بایستی استانداردهای بالای زندگی را برای فرزند و برآوردن تمامی خواسته‌های او تأمین کنند. در این شرایط است که ضمن استحکام نسبی خانواده، زوجین تمایل اندکی به فرزند و فرزندآوری دارند. مک‌دونالد (۲۰۰۶) نیز، یکی از دلایل اصلی تمایل به فرزندآوری اندک و باروری پایین در کشورهای که در آن‌ها خانواده دارای ارزش بیشتری بوده و مدل خانوادگی غالب، نان‌آور بودن مرد است (مانند کشورهای توسعه‌یافته شرق آسیا و اروپای جنوبی)، را در حمایت‌های ضعیف ساختاری و دولتی از خانواده و نبود یا ضعف برابری جنسیتی در خانواده و همچنین، ناسازگاری بین کار زنان و امور خانوادگی جستجو می‌کند. مک‌دونالد (۲۰۰۲؛ ۲۰۰۶) به این نکته اشاره می‌کند که دولت‌ها با حمایت‌های خود بستر گسترش فردی شدن و سرمایه‌داری جدید را فراهم آورده‌اند، اما به‌آن اندازه از خانواده حمایت نکرده‌اند. در نبود این حمایت، نهاد خانواده تحت فشار شدید قرار گرفته است. از دید مک‌دونالد، دولت‌ها می‌توانند بازیگرانی عمده در برگشت تعادل اجتماعی باشند و برای سیاست‌گذاران اساسی است که با اعمال تغییرات نهادی اعتماد را در بین جوانان بازگردانند، به‌طوری که بتوانند تشکیل خانواده را با سطوح قابل اغماض سختی‌های اقتصادی و تأثیرات قابل پذیرش آن برآمال

و انتظارات فردی آغاز کنند و جو حمایت از خانواده و فرزندآوری را در جامعه اشاعه دهند. در غیراین صورت، جوانان تشکیل خانواده و فرزندآوری را تا زمانی که احساس کنند به یک موقعیت امن برای برآوردن هزینه‌های زندگی دست یافته‌اند به تأخیر می‌اندازند. بنابراین نتایج این مطالعه، تدوین و اجرای سیاست‌های رفع مشکلات و مسائل اقتصادی زوجین جوان، به منظور تسهیل فرزندآوری در اولویت برنامه‌های دولت قرار دارد. به عبارت دیگر، لازم است که دولت با اعمال سیاست‌های حمایتی مانند فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال، برنامه‌های حمایتی در زمینه‌های مسکن، بیمه‌های درمانی و تکمیلی، حمایت مالی از فرزند و ... ریسک و مخاطرات فرزندآوری را به حداقل برساند.

در پایان، برای احتیاط اشاره می‌کنیم که داده‌های طولی در حوزه باروری و اقتصاد هم در سطح خرد و هم در سطح کلان، بهتر می‌توانست به شناخت موضوع کمک کند. از طرفی، زنده‌زایی زنان مربوط به گذشته است حال آن‌که، قصد فرزند یا فرزند ایده‌آل مربوط به حال و حتی آینده است. لذا، ارتباط این شاخص‌ها با شرایط اقتصادی موجود با محدودیت مواجه است. همچنین، به نظر می‌رسد که همزمان با شرایط نامساعد اقتصادی فعلی جامعه، ناامنی اقتصادی افراد و خانوارها اهمیت بیشتری در رفتار و ایده‌آل‌های باروری می‌یابد. باید در نظر داشت که رفتار و نگرش‌های باروری جامعه مورد مطالعه در شرایط نامطلوب اقتصادی با ویژگی‌هایی از قبیل بیکاری بالا، تورم، رکود و ... مورد بررسی قرار گرفته و ممکن است با تغییر شرایط اقتصادی کنونی در سال‌های آینده، برنامه‌های باروری نیز تغییر کند. از این رو، از طرفی پیشنهاد می‌گردد که دست‌اندرکاران داده‌های آماری در راستای تولید داده‌های طولی در حوزه‌های ازدواج، باروری و امور اقتصادی گام برداشته و در اختیار محققان جمعیتی قرار دهند. از طرف دیگر، پیشنهاد می‌گردد که محققان بعدی ضمن سنجش رفتار و نگرش‌های باروری به صورت طولی، به مواردی همچون نیت و مقاصد کوتاه‌مدت باروری، نیت طول عمر، و زمان بندی مولید و ارتباط آن‌ها با شرایط اقتصادی حاکم بر خانوار توجه نمایند.

منابع

بریس، نیکلا، کمپ، ریچارد و رزمی سنلگار (۱۳۸۴). تحلیل داده‌های روانشناسی با برنامه اس پی اس اس، (ترجمه خدیجه علی آبادی و علی صمدی)، تهران: نشر دوران.
پوراصغر سنگاچین، فرزام، صالحی، اسماعیل و مرتضی دیناروندی (۱۳۹۱). "سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی"، آمایش سرزمین، دوره

- چهارم، شماره ۲، صص ۲۶-۵.
- حبیب‌پور، کریم و رضا صفری (۱۳۸۱). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه راهبرد پیمایش.
- حسین‌زاده، جواد و عزیزالله فرهادی (۱۳۹۳). "سیمای استان‌های کشور از نگاه حساب‌های منطقه‌ای در سال ۱۳۹۰"، آمار، شماره ۵، صص ۳۹-۳۵.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی- اجتماعی و تنظیم خانواده، چاپ دوم، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- خانی، سعید و حسین ضرغامی (۱۳۹۲). "بررسی روند نرخ بیکاری در استان کردستان طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵؛ با تأکید بر جوانان"، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۸۰-۶۵.
- خانی، سعید، راغفر، حسین و اسعد خانی (۱۳۹۱). "تحولات ساختار سنی جمعیت ایران؛ احتمال افزایش بیکاری و اثرات آن بر امنیت ملی"، مقاله ارائه شده در ششمین همایش ملی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۸ و ۱۹ آبان ۱۳۹۱.
- رضائی، مهدی، پرتوی، لطیف و احمد محمدپور (۱۳۹۴). "مدرنیزاسیون، خانواده و تجربه گذار جمعیت‌شناختی در کردستان"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال هشتم، شماره ۱۶، صص ۱۶۷-۱۳۹.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کردستان (۱۳۸۷). گزارش اقتصادی و اجتماعی استان کردستان در سال ۱۳۸۵، استانداری کردستان.
- سرایبی، حسن (۱۳۹۴). "بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و ملاحظات دربارۀ سیاستگذاری"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۸، صص ۳۴-۱.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۱). روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت؛ با تأکید بر باروری و مرگ‌ومیر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیدانی، رضا (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به خواست فرزندان کمتر در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر ساکن در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- سیدایی، سیداسکندر، بهاری، عیسی و امیرزاعی (۱۳۹۰). "بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۳۵"، راهبرد، شماره ۲۵، صص ۲۴۷-۲۱۶.
- عباسی شوزی، محمد جلال و میمنت حسینی چاووشی (۱۳۹۲). روند و سطح باروری

- طی چهار دهه اخیر در ایران: کاربرد روش فرزندان خود در برآورد باروری در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰، گزارش تحقیقاتی، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران.
- عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۷۶-۲۵.
- فتحی، الهام (۱۳۸۸). "بررسی روند تحولات ۴۰ ساله اشتغال در ایران با تأکید بر آمارهای جنسیتی"، در مجموعه مقالات چهارمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران؛ جمعیت، برنامه‌ریزی و توسعه پایدار، ۱۴ و ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۶، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فطرس، محمد حسن و محمود بهشتی‌فر (۱۳۸۵). "تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آن‌ها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳"، نامه اقتصادی، جلد ۲، شماره ۲، صص ۱۲۲-۱۰۱.
- کلانتری، صمد و محمد گنجی (۱۳۸۴). "شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱۱ و ۲۱۲.
- گر، تدا. رابرت (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، (ترجمه علی مرشدی‌زاده)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدپور، احمد و محمد تقی ایمان (۱۳۸۷). "بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۱۳-۱۹۱.
- محمدزاده، حسین و سعید خانی (۱۳۹۴). "چالش‌های اقتصادی-اجتماعی جوانان و ایده‌آل‌های خانواده (مطالعه موردی افراد ۲۹-۱۵ ساله شهر سنندج)"، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۱۴۸-۱۲۷.
- محمودیان، حسین و مرجان رشوند (۱۳۹۰). "مشارکت زنان در نیروی کار در ایران: سطح، روند و عوامل اجتماعی و جمعیتی مرتبط"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۱۴۱-۱۲۲.
- محمودیان، حسین، محمدپور، احمد و مهدی رضائی (۱۳۸۸). "زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۲۲-۸۵.
- مردان‌تبار، حسام (۱۳۹۱). "جایگاه اقتصادی ایران در جغرافیای جهانی تورم؛ ایران در باشگاه دورقمی‌ها"، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۶، صص ۱۷۱-۱۷۰.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سنندج، دفتر آمار و اطلاعات استانداری.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). فرهنگ آبادی های استان کردستان سال ۱۳۹۰، دفتر آمار و اطلاعات استانداری.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سالنامه آماری کردستان ۱۳۹۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کردستان.
- مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ استان کردستان.
- مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶). خلاصه مدیریتی گزارش تحقیقاتی ویژگی های استان های کشور، ۱۳۸۵-۱۳۸۳، مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش های اقتصادی.
- معینی، سید رضا و علی پایدارفر (۱۳۷۶). "رشد تکوینی شاخص نوگرایی و سنجش آن با نسبت باروری"، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۹۷-۱۱۲.
- معینی، مریم، پوررضا، ابوالقاسم و فاطمه ترابی (۱۳۹۱). "نقش عوامل اقتصادی و چانه زنی درون خانوار بر تقاضای فرزند دوم در ایران"، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- میرزایی، محمد (۱۳۷۸). "نوسانات تحدید مولید در ایران"، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۵۸-۳۰.
- نشریه آینده نگر (۱۳۹۱). "دیباچه: ده نکته درباره بازار کار و بیکاری در ایران"، شماره سیزدهم، نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی.

Abbasi-Shavazi, M. J. (2000) "Effects of Marital Fertility and Nuptiality on Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran", Working Papers in Demography, No. 84, the Australian National University.

Abbasi-Shavazi, M. J., and P. McDonald (2007) "Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State", in: Jayakody R, Thornton A, Axinn W (Eds), *International Family Change: Ideational Perspectives*. Taylor and

- Francis Group, LLC, Boca Raton, FL, Pp. 177-198.
- Abbasi-Shavazi, M. J., and F. Torabi (2012) "Female Education and Fertility in Islamic Countries", in H. Groth, and A. Sousa-Poza (eds.), *Population Dynamics in Muslim Countries: Assembling the Jigsaw*. Heidelberg: Springer.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., and M. Hosseini-Chavoshi (2009a) *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, New York: Springer.
- Abbasi-Shavazi M. J., Morgan, P., McDonald, P., and M. Hosseini-Chavoshi (2009b) "Family Change and Continuity in Iran: Contraceptive Use before First Pregnancy", *Journal of Marriage and Family*, 71: 1309-1324.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., and M. Hosseini Chavoshi (2003) "Changes in Family, Fertility Behavior and Attitudes in Iran", Working Paper in Demography, No. 88, the Australian National University, Canberra.
- Aghajanian, A. and A. H. Mehryar (1999) "Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996", *Asian-Pacific Population Journal*, 14: 1, Pp. 21-42.
- Anxo, D., Bosch, G., and J. Rubery (2010) "Shaping the Life Course: A European Perspective", In D. Anxo, G. Bosch, & J. Rubery (eds.), *the Welfare State and Life Transitions: A European Perspective* (Pp. 1-70).
- Beck, U. (1999) *World Risk Society*, Malden Mass: Polity Press.
- Becker, G. S. (1960) "An Economic Analysis of Fertility", In National Bureau of Economic Research (Ed.), *Demographic and Economic Change in Developed Countries*, Pp. 209-240, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Bernardi, L., Klarner, A., and H. von der Lippe (2008) "Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany", *European Journal of Population*, 24: 287-313.

- Bernardi, L., Keim, S., and H. von der Lippe (2007) "Social Influences on Fertility: A Comparative Mixed Methods Study in Eastern and Western Germany", *Journal of Mixed Methods Research*, 1(1), 23-47.
- Bhaumik, S. K., and J. B. Nugent (2005) "Does Economic Uncertainty Affect the Decision to Bear Children: Evidence from East and West Germany", William Davidson Institute Working Papers Series wp788, University of Michigan.
- Blossfeld, H. P., Mills, M., Klijzing, E., and K. Kurz (eds.) (2005) *Globalization, Uncertainty, and Youth in Society*, New York: Rutledge.
- Chesnais, J. C. (2000) "Determinants of below Replacement Fertility", *Population Bulletin of the United Nations*, 1999 (40/41), 126-136.
- Easterlin, R. A. (1976) "The Conflict between Aspiration and Resources", *Population and Development Review* 2: 418-425.
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A., and S. Prati (2013) "Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child", *Population Research and Policy Review*, 32(3): 373-413.
- Freedman, D. (1976) "Fertility, Aspirations, and Resources: A Symposium Hypothesis: Introduction", *Population and Development Review*, 2(3/4): 411-415.
- Hoodfar, H., and S. Assadpour (2000) "The Politics of Population Policy in the Islamic Republic of Iran", *Studies in Family Planning*, 31(1): 19-34.
- Hosseini-Chavoshi, M., McDonald, P., and M. J. Abbasi-Shavazi (2006) "The Iranian Fertility Decline, 1981-1999: an Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method", *Population*, 61(5-6):701-718.
- Jackson, N. (2002) "The Higher Education Contribution Scheme: a HECS on the Family", *Journal of Population and Research and New Zealand Population Review*, Special issue, September, 105-120.
- Johnson-Hanks, J. A., Bachrach, C. A., Morgan, S. P., and H. P. Kohler (Eds.) (2011) *Understanding Family Change and Variation: Toward a*

- Theory of Conjunctural Action*, New York: Springer.
- Kohler, H. P., Billari, F. C., and J. A. Ortega (2002) "The Emergence of Lowest-low Fertility in Europe during the 1990s", *Population and Development Review*, 28(4), 641-680.
- Kreyenfeld, M., Andersson, G., and A. Pailhé (2012) "Economic Uncertainty and Family Dynamics in Europe: Introduction", *Demographic Research*, 27: 835-852.
- Letablier, M. T., and A. Salles (2013) "Labor Market Uncertainties for the Young Workforce in France and Germany: Implications for Family Formation and Fertility", CES Working Papers, Work Package 3: Individual Pathways to Flexibility and Sustainability in Europe, European 7th Framework Programme.
- McDonald, P. (2006) "Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy", *Population and Development Review*, 32(3): 485-510.
- McDonald, P. (2002) "Sustaining Fertility through Public Policy: The Range of Options", *Population* (English Edition), 57(3), 417-446.
- McDonald, P. (1996) "Demographic Life Transitions: An Alternative Theoretical Paradigm", *Health Transition Review*, Supplement 6: 385-392.
- Miller, W. B. (1994) "Childbearing Motivations, Desires, and Intentions: A Theoretical Framework", *Genetic, Social and Psychology Monographs* 102(2): 225-258.
- Mills, M., and H. P. Blossfeld (2005) "Globalization, Uncertainty and Changes in Early Life Courses", In H. P. Blossfeld, M. Mills, E. Klijzing, and K. Kurz (Eds.), *Globalization, Uncertainty, and Youth in Society*, (pp. 1-24). New York: Rutledge.
- Modena, F., Rondinelli, C., and F. Sabatini (2012) "Economic Insecurity and Fertility Intentions: The Case of Italy", Munich Personal RePEc Archive.
- Moeeni, M., Pourreza, A., Torabi, F., Heydari, H., and M. Mahmoudi (2014) "Analysis of Economic Determinants of Fertility in Iran: A Multilevel

- Approach”, *International Journal of Health Policy and Management*, 3(3), 135-144.
- Oppenheimer, V. K. (1988) “A Theory of Marriage Timing”, *American Journal of Sociology*, 94, 563-591.
- Örsal, D. D. K., and J. R. Goldstein (2010) “The Increasing Importance of Economic Conditions on Fertility”, MPIDR Working Paper, Max Planck Institute for Demographic Research
- Perugini, M., and R. D. Bagozzi (2001) “The Role of Desires and Anticipated Emotions in Goal-directed Behaviors: Broadening and Deepening the Theory of Planned Behavior”, *British Journal of Social Psychology*, 40: 79-98.
- Rossier C., and L. Bernardi (2009) “Social Interaction Effects on Fertility: Intentions and Behaviors”, *European Journal of Population*, 25: 467-485.
- Salehi-Isfahani, D., Abbasi-Shavazi, M. J., and M. Hosseini-Chavoshi (2010) “Family Planning and Fertility Decline in Rural Iran: the Impact of Rural Health Clinics”, *Health Economics*, 19(S1): 159-180B.
- Santarelli, E. (2011) “Economic Resources and the First Child in Italy: A Focus on Income and Job Stability”, *Demographic Research*, 25: 309-336.
- Sobotka, T., Skirbekk, V., and D. Philipov (2010) “Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review”, European Commission, Directorate-General “Employment, Social Affairs and Equal Opportunities”, Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography.
- Tölke, A., and M. Diewald (2003) “Insecurities in Employment and Occupational Careers and their Impact on the Transition to Fatherhood in Western Germany”, *Demographic Research*, 9(3), 41-68.
- Western, B., Bloom, D., Sosnaud, B., and L. Tach (2012) “Economic Insecurity and Social Stratification”, *Annual Review of Sociology*, 38, 341-359.